

۷ کارنیل، بزرگترین شبکه موفقیت ایرانیان می باشد، که افرادی زیادی توانسته اند با آن به موفقیت برسند، فاطمه رتبه ۱۱ کنکور کارشناسی، محمد حسین رتبه ۶۸ کنکور کارشناسی، سپیده رتبه ۳ کنکور ارشد، مریم و همسرش راه اندازی تولیدی مانتو، امیر راه اندازی فروشگاه اینترنتی، کیوان پیوستن به تیم تراکتور سازی تبریز، میلاد پیوستن به تیم صبا، مهسا تحصیل در ایتالیا، و.... این موارد گوشه از افرادی بودند که با کارنیل به موفقیت رسیده اند، شما هم می توانید موفقیت خود را با کارنیل شروع کنید.

برای پیوستن به تیم کارنیلی های موفق روی لینک زیر کلیک کنید.

www.karnil.com

همچنین برای ورود به کانال تلگرام کارنیل روی لینک زیر کلیک کنید.

<https://telegram.me/karnil>

بسم الله الرحمن الرحيم

محافل شادی

(عقد و عروسی)

فهرست مطالب

عنوان

مقدمه

رومان محفل شادی

صفات و معرفی زن

مجلس عقد

چهل حدیث در رابطه با ازدواج

توصیه به دعا کردن و شرایط آن در امر ازدواج

اشعار محفل شادی از حاج علی محمودزاده (اصفهان)

اشعار محفل شادی از حاج اصغر کلانی (اصفهان)

اشعار محفل شادی از حاج آقارَسُول کاردانپور و حاج مهدی غزالی (اصفهان)

شب عروسی و جشن عقد و عروسی و دست زدن حاج علی حسن هرنندی (اصفهان)

اشعار محفل شادی از حاج علی محمودزاده (کف زدن) (اصفهان)

اشعار ازدواج حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه الزهرا

اشعار حدیث کسا یک

اشعار حدیث کسا دو

اشعار متفرقه

شعر لامپ اضافی

عروسی حضرت علی (ع) و حضرت زهرا (س) دو

مجلس عروسی

گل آمده

میلاذ علی بن موسی الرضا

نصیحت به ازدواج

دین خدا و صاحب دلان

ای دختر ایران زمین

پیشنهاد به شرکت کنندگان

بمناسبت ولادت صدیقه کبری

منفورترین حلال (طلاق)

علل و عوامل تاثیرگذار در طلاق

پنج مصاحبه آموزنده

قبل از ازدواج چشمان خود را باز کنید

نکته ها

اشعار محفل شادی

درد و دل

تایپ: ف. کرمی
موسسه: تایپ و تکثیر پیام

مقدمه:

در دنیای صنعتی فعلی که انسان و انسانیت را بدنبال خود کشیده و می‌رود تا کم کم او را محو تکنولوژی خود کرده و بجای استفاده صحیح از تکنولوژی روز، اکثراً آن را در راه منفی و تمنیات نفسانی و شیطانی بکار ببرند. بر موحدین لازم و واجب است از حریم اسلامیت که بالاتر از انسانیت است دفاع کرده و تا حدودی از قالب سختگیری و خُشکِ مقدس بودن خارج شوند و مجالس و محافل شادی را با سرودهای شرعی و اسلامی و جُک و لطیفه های حلال هم کیشان را بخندانند زیرا زمینه سرور برای مومن فراهم کردن عبادت است و تنها چیزی که انسان را از انواع استرس و فشارهای روحی و روانی نجات می‌دهد، مجلس انس داشتن است و ثابت شده است افرادی که لبخند به لب دارند و در شادی دیگران شادی می‌کنند از روان سالمتر برخوردارند و در زندگی موفق ترند.

لذا در این راستا به جمع آوری سرودهایی که توسط مداحان عزیز اهل البیت علیهم السلام که در مجالس مومنین خوانده می‌شود همت کرده و بجهت اینکه سُراینده شعرها بعضاً مُخَلَّص ندارد بنام آن مداحی که آنرا خوانده است قلم زده می‌شود، باشد که برای سُراینده و خوانند و مستمعین جزای دارین منظور شود و آنان هم مورد عنایت ولیعصر ارواحنا له فداء قرار گیرند. زیرا با رواج این رویه از ترویج و اشاعه گناه و موسیقی جلوگیری کرده‌اند و رضایت صاحب الزمان را فراهم نموده اند.

هُوَ الرِّزَاقُ

پس از سپری شدن نوجوانی و فارغ التحصیل شدن و گذراندن خدمت وظیفه بحمداً... در شرکتی دولتی مشغول خدمت بوطنم شدم و خوشحال بودم که فعالیت روزمره‌ام بسود همه اقشار جامعه است، بیش از دو سال از سابقه‌ام در آن شرکت نگذشته بود که دوستان و آشنایان توصیه می‌کردند که چرا تشکیل خانواده نمی‌دهی؟ کی می‌خواهی همسر انتخاب کنی؟ و بعضاً حاضر به خدمت، وساطت خیر بودند. بنده که از خانواده متوسطی بودم و متکی به خود و خدای خود، می‌بایستی علاوه بر سرپناه، سواری و شغل دوم و سومی... را هم برای خود، دست و پا می‌کردم! چون با هشت ساعت کار صادقانه و متعهدانه تامین زندگی برای دو نفر کافی نبود.

چون نصف درآمد ماهانه را بایستی برای اجاره آپارتمان یا منزل پرداخت می‌کردم و با نصف دیگر به سختی امرار معاش می‌شد. و برای رسیدن بخانه و وسیله و... اگر مساعدت پدرم نباشد، شاید بیست سال طول بکشد. با کار کردن همسر آینده‌ام هم مخالف بودم و معتقد بودم امور داخل منزل بعهدہ خانم و امور خارج از منزل بعهدہ مرد است.

سالها از جنگ گذشته بود و دیگر از اعتقادات و صمیمیت و تعاون و ایثار و یکرنگی چندان خبری نبود تصمیم به ازدواج داشتم، ولی ایرادهائیکه خانواده‌های عروس از دامادها می‌گرفتند اکثراً غیر شرعی و غیر اخلاقی بود. اگر چه مسئله سختی و هم‌شان بودن و هم‌کفو بودن را هم در نظر می‌گرفتم باز راجع به مادیت و صورت‌قباله‌های چند صد میلیونی و جا و مکان مستقل صحبت می‌شد. و بنده که مهریه‌ای را در توان خود می‌دانستم، که بایستی پرداخت نمایم و از امور ظاهر سازی و سمبلیک‌گریزان بودم از تصمیم ازدواج منصرف شدم.

پس از گذشت یکسال، در راه قم و جمکران با جوانی از سربازان امام زمان علیه‌السلام آشنا شدم که در مصاحبت وی احساس سبک شدن کردم.

او می‌گفت اگر احساس می‌کنید نیاز به همسر دارید، چنانچه نیاز به رفع عطش و گرسنگی می‌شود، واجب است ازدواج کنید و در این راستا توکل و استمداد از خداوند متعال و چهارده معصوم کفایت می‌کند.

او می‌گفت اگر امری برای انسان واجب شد، مثل نماز، روزه،... و ازدواج دیگر سختیهایش هم شیرین و لذت بخش است.

او می‌گفت اگر مجرد بمانید و خدای ناکرده اجل شما برسد، در حقیقت بقاء نسل خود را از دست داده‌اید.

او می‌گفت: کسی که ازدواج کند، شجاعت قبول مسئولیت اداره زندگی خود و دیگری را بعهدہ گرفته و با توکل بخدا جهت کثرت امت پیامبر قدم برداشته که در قیامت و روز محشر پیامبر خود را شاد کرده و به برادران پیامبر پیوسته است.

او می‌گفت: زندگی چندان سخت نیست، اگر بین زن و شوهر عشق و ایمان حاکم باشد و هر موضوعی که پیش آید از دستورات اسلام پیروی کنند و با کم و کاستی‌ها کنار بیایند که پس از هر سختی و صبوریت، آرامش و راحتی بدنبال خواهد بود.

او می‌گفت: سعی کن آنچه هستی در درون، ظاهرت هم همانگونه باشد که دورویی از نشان منافقین است مگر اینکه با منافقی مواجه شوی.

او می‌گفت: دستورات اسلام برای آسایش بشر است نه محرومیت از شادی.

او می‌گفت: کسی که ازدواج کند به گفته پیامبر (ص) نصف دین خود را حفظ کرده و کافیت مراقبت در نگهداری نصف دیگرش کند تا بهشتی شود.

او می گفت: کسی که ازدواج کند هر رکعت نمازش هفتاد و دو رکعت ثواب دارد، حال اگر در جماعت شرکت کند کسی، جز خدا عظمت ثواب آنرا نمی داند.

او می گفت: کسی که بدون ازدواج بمیرد و از او عمل صالح یا صدقه جاریه ای باقی نباشد، دفتر عملش بسته می شود تا قیامت، ولی کسی که ازدواج کند و فرزندان صالح و با ایمان یا صدقه جاریه ای از خود بیادگار بگذارد، تا مادامی که فرزندان عبادت و بندگی کنند و یا صدقه جاریه جریان داشته باشد، دفتر عمل آن شخص باز و خداوند به بانی و مجری، ثواب عنایت می فرماید.

او می گفت: اگر بخواهی زندگیت را آماده کنی بعداً ازدواج کنی چند اشکال دارد اول اینکه اینکار از راه مشروع زمان می برد و ممکن است ده یا پانزده سال طول بکشد دوم اینکه زندگی مشترک را، طرفین باید کمک کنند تا هر دو برای پایداری بقاء و استمرار آن سهیم باشند. سوم، هر چیزی بهاری دارد لذا تا طراوت و نشاط و قدرت بدنی هست باید اقدام کنی که پس از حداکثر سی سالگی قوای بدن کم کم از حداکثر به حداقل خواهد رسید و در سرازیری عمر برای پرورش فرزندان خود، چندان حوصله و دل و دماغی وجود ندارد و مهمترین اثر ازدواج، ایجاد آرامش روحی، روانی دو نفر است.

او می گفت: متأسفانه واژه کفویت بد تعبیر شده، چون کفو مرد مومن و مسلمان زن مومن و مسلمان است و اگر ارزشهای مادی را مد نظر بگیریم پس چگونه حضرت خدیجه که از ثروتمندان عرب آن زمان بودند با حضرت محمد (ص) که از مال دنیا چندان بهره ای نداشتند ازدواج کرده و در راستای هدف شوهر خود که تکلیف الهی بود همه ثروت خود را خرج کرد و درخت نو نهال اسلام را آبیاری نمود. بنابراین از معصوم شخصی می پرسد یابن رسول... دخترم را به ازدواج چه کسی درآورم حضرت می فرماید کسی که مومن و خداترس باشد. سوال می کند دیگر چه نشانه ای داشته باشد؟ حضرت می فرماید دیگر هیچ زیرا اگر مومن باشد در ثروت و فقر به او اذیت نمی کند و بر آنچه خدای مقدرشان کرده رضایت دارند.

او می گفت: داماد آنچه در توانش هست و استطاعت انجام آنرا دارد باید صدق قرار دهد و از هم چشمی و مسابقات و رقابتهای کاذبی که از عهده داماد بر نیاید باید پرهیز نمود. زیرا مهریه، مهر نمی آورد بلکه تقوا و صداقت و ایثار و فداکاری در زندگی مهر و محبت ایجاد می کند.

او می گفت: داماد هم حق مداخله در توانائی پدرزن و خانواده خانمش ندارد و اینکه میگویند هر چه مهریه قرار داده شد باید دو برابر آن جهیزیه تهیه شود هیچگونه سند شرعی و قانونی و اخلاقی ندارد.

به شهر قم نزدیک شدیم

او گفت: میدانید حضرت معصومه علیه السلام بدون شوهر از دار دنیا رفتند، من گفتم خیر، چرا؟

او گفت: مقام اعلی و تقوایی ایشان آنقدر بالا بود که کسی خود را لایق ایشان نمی دید که به خواستگاری برود.

او گفت: ظلم است مرد یا زنی که دارای علم و تقوا و بینش جهانی است با مرد یا زنی زندگی کند که صحبت کردن روزمره خود را هم نیاموخته و سوهان روح طرف مقابل است و در این رابطه اگر مسلمانی به مسلمان دیگر خدعه یا حيله یا تقلب نماید از امت حضرت محمد (ص) خارج است. حضرت رسول اکرم فرمودند اگر به خواستگاری رفتید و موی سر خود را رنگ کرده اید باید مطرح کنید، چه برسد به بیماری و اعتیاد و چیزهای مخفی که اگر آشکار شود رضایت نیست و خدعه مسلمان در مقابل مسلمان حرام است.

سوال کردم منزلت عروس و داماد در خانواده طرفین از نظر اسلام چگونه است؟

او گفت: داماد متدين و خوب حکم پسر خانواده را دارد و عروس متدين و خوب حکم دختر خانواده. بنابراین والدين عروس و داماد حکم پدر و مادر دوم را دارند با اين تفاوت که از آنها بوجود نیامده‌اند و معلم حکم پدر یا مادر سوم را مشروط بر اینکه شاگردانش را مانند بچه‌های خودش دوست بدارد و برای آنها آینده نگری کند و در جهت موفقیتشان سعی و راهنمایی نماید. سوال کردم من از نظر اقتصادی در وضعیت خوبی نیستم و نمی‌خواهم با ازدواج باعث بدبختی چند نفر دیگر شوم، اسلام، امور اقتصادی را چگونه تامین می‌کند؟

او گفت: اولاً رزق هر کس بدست خداوند متعال است، چون می‌فرماید هیچ جنبه‌ای نیست مگر اینکه برخداست که رزق او را تامین نماید، ولی باید حرکت کرد که جزء جنبه حساب شویم. (که گفته‌اند از تو حرکت از خدا برکت) ولی عواملی مانند نماز اول وقت و نماز شب خصوصاً خواندن نوافل در وسعت روزی اثر دارد که کتابی از بنده بچاپ رسیده بنام خلاصه المکاسب (تبعات حرام‌خواری و حق‌الناس) که جوابهای اقتصادی جوانان در ۱۱۰ شغل توضیح داده شده است. رئیس کاروان گنبد مطهر حضرت معصومه علیها سلام را مشاهده کرد و اعلان صلوات نمود و دعای اذن دخول حضرت معصومه را قرائت کرد، چند دقیقه بعد در صحن و حرم آن حضرت بودیم و پس از ساعتی زیارت و دعا و نماز عازم مسجد جمکران (مسجد صاحب الزمان علیه‌السلام) شدیم.

موقع سوار شدن همه بیکدیگر زیارتان قبول می‌گفتند و جوی روحانی و امام زمانی در اتوبوس حاکم بود چشم‌ها در اشتیاق رسیدن به مسجد صاحب الزمان پر از اشک شده بود و با خواندن دعای فرج و استغاثه مولا، صاحب خود را واسطه فیض خداوند متعال کرده یابن‌الحسن یا بن‌الحسن‌ها تا درب ورودی ادامه داشت.

برای ورود به مسجد جمکران توصیه شده، با وضو وارد شوید و اگر احتیاج به تجدید وضو بود امکانات فراهم بود. در ورود به شبستان همه در حال نماز و راز و نیاز با خدای متعال بودند و به آنچه پیامبر ختمی مرتبت آنرا نور چشم خود خوانده و امام صادق (علیه‌السلام) فرموده‌اند هر کس آنرا کوچک بشمارد از ما نیست عمل می‌شد.

باد خشم و باد شهوت باد آز

آدمی را باز می‌دارد از نماز

از طرف دیگر نماز، معراج افراد متقی است. اگر چه نمازهای مستحبی بصورت فرادا خوانده می‌شد. ولی با نزدیک شدن وقت نماز مغرب و اذان، نماز جماعت با عظمتی برپا شد. پس از صرف شام دعای توسل با شور و حال خاصی خوانده شد و در هر فراز از معصومین توضیحات عرفانی داده می‌شد.

با خواندن نوافل شب سوار بر اتوبوس شدیم و بطرف اصفهان برگشتیم و دعای ناد علیاً مظهر عجایب خوانده شد بنده و همسفرم احساس خوبی داشتیم و خواب بچشمانمان نمی‌آمد.

او گفت: قبول باشد، انشاء... حاجاتتان برآورده شده است و آنچه مشروع و به صلاحتان است برآورده شود.

سوال کردم؟ اقتصاد اسلام چگونه حل شده و شروع زندگی بدون وام و قرض امکان ندارد و بعضی از قروض هم تا آخر عمر باقی می‌ماند که ورثه بایستی آنرا پرداخت کنند.

او گفت: در اسلام انسان مکلف به تکلیف است، یعنی آنچه دستور داده شده از حرام و حلال واجب و مستحب و مکروه و مباح در جای خودش بایستی رعایت شود و این امر و نهی و غیره در حکم تابلوهای هشیار دهنده راهنمایی و رانندگی است،

که با رعایت آن راننده و سرنشین ها سالم به مقصد خواهند رسید. لذا با رعایت موازین شرعی، دنیا و آخرت انسان تأمین خواهد شد.

در ضمن قانون اسلام برای کسی که زندگی مشروعی داشته و موقع فوت دارای وام و قرض هست این است که حکومت بدهی آن را پردازد.

او گفت: حالا که از مسجد صاحب الزمان برمی گردید، بدانید هفته‌ای دو روز اعمال ما شیعیان بحضور صاحبمان حضرت ولیعصر ارواحنا فداء عرضه میشود، سعی کنید ایشان را خرسند و مسرور و راضی نگهدارید نه اینکه باعث ناراحتی و غصه خوردن ایشان شویم.

با توضیحاتی که ایشان می داد با ایشان خیلی صمیمی شدم و از ایشان خواستم اگر مزاحم خوابش هستم در اصفهان جایی وعده کنیم و بقیه سوالاتم را بگیرم ایشان هم قبول کرد و عصر پنجشنبه در مسجد جامع اصفهان قرار گذاشتیم.

از چهارشنبه تا عصر پنجشنبه لحظه شماری می کردم تا وعده موعود رسید. قرار ما در شبستان مسجد پای منبر بود، موقع ورودم او را در حال خواندن نماز یافتم و پس از احوال پرسی و عذرخواهی که مزاحم عبادت ایشان شدم.

او گفت: ابدأ جای عذرخواهی نیست و بنده آنچه به شما جواب دهم ثوابش از نماز مستحبی بالاتر است.

سوال کردم؟ بنده تصمیم گرفته ام ازدواج کنم ولی نسبت به سن همسرم که چند سال داشته باشد و تفاوت سن ما چگونه باشد توجیه نیستم.

او گفت: ازدواج پیوند دو انسان است که اجزای اصلی آن زن و مرد است و هر قدر بین اجزاء هماهنگی، تناسب و سنخیت بیشتر باشد، آن پیوند استوارتر، مستحکم تر، پرثمرتر و لذت بخش تر خواهد بود. علم و تجربه گویای آنست که علت اساسی بیشتر ناهنجاریها و ناسازگاریهای زندگی زنشویی، ناهماهنگی بین زن و شوهر است.

بنابراین شناخت اموری که موجب هماهنگی و تناسب بین زوجین می شود، ضروریست، به هیچ وجه نباید این مسئله را بعد از ازدواج موکول کرد، پیامبر اسلام (ص) می فرمایند با همسان و هم شان خود ازدواج کنید.

و نیز می فرمایند، زن را محترم نمی دارد مگر مرد کریم و او را خوار نمی شمارد مگر شخص لثیم.

اسلام معیار هماهنگی در سن را بعقل و معرفت و علم سپرده است. اگر فرد به تجارب فراوان و واقعیتهای موجود در جامعه و استدلالهای علمی در این مسئله نظر کند، براحتی پی خواهد برد که همسر دلنشین و مورد پسند، همسری خواهد بود که دارای تناسب سنی باشد. البته اگر تمام زمینه ها بررسی شده باشد و مشکل خاصی دیده نشود، می توان فاصله سنی را بدیده اغماض نگریست ولی در عین حال بهترین و مناسبترین فاصله سنی ۳ تا ۴ سال است. طبیعی است اگر سایر شرایط، مناسب نباشد، ازدواج نمی تواند موفق باشد.

وجود فاصله سنی زیاد موجب میشود که زن و شوهر نتوانند بخوبی یکدیگر را درک کنند، فردی با داشتن ۲۰ سال سن بیشتر، طبیعی است که می تواند از تجارب بیشتری برخوردار باشد یا لاقلاً میتواند چنین احساسی داشته باشد.

این مسئله زمینه‌ای را فراهم میکند که شخصی ارزش لازم را به نظرات فرد کوچکتر ندهد.

وقتی فاصله سنی بین زن و شوهر زیاد باشد، هر یک در دوره ای از زندگانی به سر می برند که به لحاظ قوت و توانایی با همسر خود تفاوت‌های عمده دارند.

مثلاً زنیکه ۱۷ سال دارد، در دوران جوانی بسر می برد و همسر او که در سن ۳۵ سالگی است، به مرز میانسالی نزدیک شده است. یکی غالباً فعال است و دیگری زودتر خسته می شود و در اوقاتی منفعل است گاه این خستگی از طرف همسر جوان

بخوبی تجزیه و تحلیل نمی شود و به حساب کم کاری گذاشته می شود. یا بعنوان شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت مطرح می شود. در نتیجه محیط این خانه تبدیل به فضایی ناامن و غیر قابل تحمل می شود.

وقتی دو جوان با یکدیگر زندگی می کنند، بدلیل جوانی، انعطاف پذیری بیشتری دارند، حال آنکه با افزایش سن، انعطاف آدمی کاهش می یابد و همین مسئله در زندگی مشترک معضل آفرین است.

گاهی وجود فاصله های سنی زیاد باعث می شود زوجین سوءظن هایی نسبت بهم پیدا می کنند و ممکن است حتی نتوانند دلایلی هم برای این گونه افکار ارائه دهند.

همچنین در چنین خانواده هایی، فرد بزرگتر بدلیل داشتن تجربه، خود را ملزم می داند، مدام به همسر خود امر و نهی کند و امر و نهی بیش از حد همیشه مبتنی بر حق نیست، بلکه سلیقه نیز در آن سخت مداخله می کند، فرد بزرگتر احساس می کند باید فرد کوچکتر را تربیت کند، حال آنکه او انتظار دارد با همسرش زندگی کند نه اینکه همسر وی نقش پدر و مادر او را بعهده گیرد. یکی از موارد دیگر که در این خانواده ها دیده می شود، این است که فرد کوچکتر دچار نوعی کمرویی رنج آور است و نمیتواند براحتمشکلات خود را با همسرش در میان بگذارد، اگر فرد کوچکتر دردها را بازگو نکند، آنها روی هم انباشته شده و او را افسرده و بعضاً مبتلا به سرطان می کند. در حالیکه این حس که او همسری دارد که به درد دل های او گوش می دهد، به او احساس آرامش می دهد.

در مورد ثروت، تحصیلات، زیبایی، شغل و مقام و خانواده طرفین در مورد فوق صادق است و آنچه بنده تجربه کرده ام از اول تکلیف پسر و دختر آنچه انجام می دهند (از قید و بند شرعی) موقع ازدواج موثر است و در طول عمر آنچه انجام شده است در وضعیت مرگ انسان و بعد از آن موثر است.

در آن موقع دفتری را باز نمود و اوصاف زن از قول ائمه اطهار علیهم السلام و جمعی از نویسندگان را بترتیب زیر بر شمرد.

- ۱- زن نیک، عاقبت زن زندگانی است.
- ۲- زن بلا است ولی هیچ خانه ای بی این بلا نباشد، که یا صوت و کور است یا انباری.
- ۳- زن اگر خوب تربیت شود از مرد بی تربیت بهتر است و اگر تعلیم و تربیت نشود ناقص العقل است.
- ۴- زن خوب با چادر به خانه شوهر می آید و با کفن می رود.
- ۵- زن بد، بدتر بود از مار بد.
- ۶- زن بد، از کفش تنگ هم بدتر است.
- ۷- زن نازا را بکشی نازاست.
- ۸- زنیکه جهاز ندارد این همه ناز ندارد. (بعضی از خانم ها تحصیلات و کمالاتی دارند که به جهازیه فراوان می چربد)
- ۹- زن نجیب گرفتن مشکل است، ولی نگاهداریش آسان است.
- ۱۰- حکم زن رواست تا جائیکه مخالف شرع نباشد.
- ۱۱- خدا یکی، خانه یکی، یار یکی، زن یکی (مرد دو زنه دم خوش نمی زند).
- ۱۲- زن صندوقچه و ناموس مرد است.
- ۱۳- زن را در جوانی بگیر و جگر را گرم بخور.
- ۱۴- زن زشت درد دل است و زن زیبا در سر.
- ۱۵- یک مادر خوب به صد آموزگار مدرسه می ارزد.

- ۱۶- هر وقت دلت خواست پسرت را زن بده، ولی همینکه فرصت کردی و داماد متدینی یافتی دخترت را شوهر بده.
- ۱۷- اگر می خواهی همه دنیا از رازی با خبر شوند، آن راز را به زنی بگوئید که تقوا ندارد.
- ۱۸- زن و شیشه هرگز از خطر در امان نیستند.
- ۱۹- زن عاقل با شوهر بی پول خود می سازد و برای مال دنیا او را به حرام نمی اندازد.
- ۲۰- زن عاقل خواسته شوهرش را هر چند مشکل باشد می پذیرد مگر خلاف شرع باشد.
- ۲۱- بهتر است زن کور باشد تا بسیار زیبا چون چشم های ناپاک او را می نگرند.
- ۲۲- زیر چادر، همه زنهای زیبا هستند، (همچون گوهری در صدف)
- ۲۳- کسیکه زن خوب بدست آورد، بزرگترین سرمایه را پیدا کرده است.
- ۲۴- همیشه نصیحت اول را از زن بگیری.
- ۲۵- زنت را چون دوست بدان، ولی با ترس بلرزان
- ۲۶- هر مردی پسر زنی است.
- ۲۷- جهنم پر از زنان شلخته است (زنان بی تقوا)
- ۲۸- زن را طلا و ثروت گول می زند و مرد را زن.
- ۲۹- زنهای زشت روی، همیشه در عشق صمیمی هستند.
- ۳۰- یک تار موی زن می تواند، یک فیل را بدنبال خود بکشد.
- ۳۱- ای زن، اگر طلاق میخواهی به مادر شوهرت سلام نکن (یا حرف شوهرت را مشنو)
- ۳۲- زن حسود، خانه را آتش می زند (حسود هرگز نیاسود)
- ۳۳- زن را نزنید حتی با یک شاخه گل (اما اگر لازم شد حدود الهی باید جاری شود)
- ۳۴- شوهر سر زن است و زن کلید شوهر (شوهر کلید است و زن قفل است)
- ۳۵- با زنت مشورت کن (اگر از نظر عقل و شرع درست می گوید عمل کن در غیر اینصورت بعکس آن عمل کن)
- ۳۶- مردان بسیار زیبا همیشه با زنان متوسط و زشت ازدواج می کنند.
- ۳۷- یا زن نگیر یا اگر گرفتی آقای بالای سرش باش.
- ۳۸- پسریکه زیاد حرف مادرش را می شنود، چه بهتر زن نگیرد.
- ۳۹- زندگی بدون زن، زندگی نیست، لولیدگی است.
- ۴۰- نگاه زن دلربا تر از خورشید است.
- ۴۱- زندگی ما زنجیری است که یکسرش بگردن زن است.
- ۴۲- مادر، سازندهی جهان است.
- ۴۳- زن، بهترین داروی غم هاست.
- ۴۴- اگر همسر خوبی پیدا کردی، بدانکه صاحب ثروتی گرانبها هستی.
- ۴۵- بهترین زینت زن، خلق خوش و تندرستی و منطقی بودن آنست.
- ۴۶- مایه گرفتاریها احتیاج است و از همه دشوارتر احتیاج زن بمرد و مرد به زن است.
- ۴۷- زن بر هر کار قادر است. (اگر بخواهد انجامش می دهد)

- ۴۸- عاطفه و محبت زن آنقدر زیاد است که مرد قدرت تصور آنرا ندارد.
- ۴۹- زن، تو فرشته ای، ولی آزاد نیستی، زیرا تو بالاتر از فرشته ای.
- ۵۰- خانه، بی زن، چون گورستان است.
- ۵۱- مردها کارهای مهم ایجاد می کنند و زنها مردان را تهیه می کنند.
- ۵۲- عقل کودک از نهاد مادر است
- مادر دانا بسان گوهر است.
- آنچه مادر می دهد، شرح و بیان
نقش گردد بر ضمیر کودکان
- ۵۳- اسراری که بمردها گفته می شود از یک گوش وارد و از گوش دیگر خارج می شود، ولی اسراریکه بزنها گفته می شود از هر دو گوش وارد و از دهان آنها خارج می شود.
- ۵۴- زیباترین و دلچسب ترین هدیه خداوند به انسان، زن است.
- ۵۵- شوهر باید مغز خانه باشد و زن قلب آن.
- ۵۶- زن شلخته زنی است که شوهرش یک حرف را چندین بار به او تذکر دهد ولی او همچنان بی توجه است و زن خوب و فهمیده با یک مرتبه شنیدن حرف ثواب و منطقی به آن عمل می کند.
- ۵۷- دختران پاکدامن، ستارگان روی زمین اند.
- ۵۸- زن ناموس طبیعت است.
- ۵۹- زنان را محترم دارید، ایشان گلهای آسمانی را در حیات زمین میکارند و رشته خوشرنگ عشق را می بافند.
- ۶۰- زن، هدیه آسمانهاست.
- ۶۱- زن گردن بند مرد است، دقت کن چه چیزی را بر گردن خود می آویزی (جواهر یا خرمهره) (علی علیه السلام)
- ۶۲- سعادت در سه چیز است، زن خوب، اسب خوب، خانه خوب.
- ۶۳- شمشیر را با آب، طلا را به رنگ، و زن، را بعفت باید شناخت.
- ۶۴- مرد، در هر مرحله زندگی قوی است، جز در برابر زن.
- ۶۵- زنان را دوست بدارید حتی خیلی (اگر با تقواست) و هنگامیکه با آنان روبرو می شوید از آنان وداع کنید و چون باد، درگذرید. (اگر بی تقوایند)
- ۶۶- زن، زیباترین و عزیزترین موجودات است.
- ۶۷- من مادر خوب را شاهکار خلقت می دانم.
- ۶۸- با زنها همیشه از زیبایی آنها صحبت کنید، اگر زیبا نبودند از زشتی زنها دیگر با ایشان سخن بگوئید. (بطوریکه غیبت کسی را نکنید)
- ۶۹- زن کتابی است که خدای متعال در درست کردن جلد آن، هنرنمایی بسیار بخرج داده و مرد مقدمه آنرا نوشت.
- ۷۰- در زنان بوسه بیش از دلیل و برهان موثر است.
- ۷۱- بهشت زیر پای مادران است.
- ۷۲- کسی می تواند ادعا کند زنی را دوست دارد که بتواند آن زن را خوشبخت کند (او را بهشتی کند)

- ۷۳- زنان شمع و چراغ خانه‌ها هستند.
- ۷۴- هر که با اهل و عیال خود نیکی کند، خدای تعالی او را رزقی عظیم و حلال عطا فرماید.
- ۷۵- زن با دستی گهواره کودک و با دست دیگر دنیا را تکان می‌دهد.
- ۷۶- قوت بدنی زن نصف قوت مرد است ولی دقتش دو برابر است.
- ۷۷- برستی دستی که گهواره را می‌جنباند، دستی است که بر جهان حکومت می‌کند.
- ۷۸- حرف زن، بُرنده‌تر از قانون است و اشکهای او از هر دلیل و برهانی قاطع‌تر است.
- ۷۹- حيله آخری زنها گریه است. (مردان عاقل به گریه زنان اعتنایی ندارند)
- ۸۰- زنان، بما ادب و حشمت و کرامت فراوان می‌دهند.
- ۸۱- زن، شلاقی است که سرکش‌ترین مردها را رام می‌کند.
- ۸۲- زندگی بدون زن، در نظر من گلستانی، بدون گل و عطری بدون بو و خواب راحتی، بدون رویای خوش است.
- ۸۳- هر زن عقیقی زیبا و دلپسند است. اگر چه چندان زیبا نباشد، چون زیبایی سیرت را داراست.

زن چه خوب است دلربا و ظریف زن چه خوب است با حیا و عقیف
خانمی خانه دار و شوهر دوست که کند اهتمام در امر تنظیف
هر زنی احترام شوهر، داشت او بُود، خانمی نجیب و شریف
زن نیکو، زن قوی روح است دورشو از زن ذلیل و ضعیف
زن اگر باسواد شد، خو بست کسی ز نادان نمی‌کند، تعریف
زانکه در تحصیل علم واجب گشت بهر زن طبق حکم دین حنیف
مهر سنگین مگیر، بهر زنان فتح کن، گر نمی‌دهد تخفیف
پی دارایی زنان نیروی که طمع را خدای خوانده کثیف
زن با مکننت از نصیب تو گشت کار سخت است و خارج از توصیف

خلاصه مطلب اینکه کسی در ازدواج موفق است که عقل و شرع را مقدم بدارد بر هوای نفس و آرزوهای زودگذر تا در دنیا و آخرت زوجین موفق و کامیاب گردند.

با نزدیک شدن اذان مغرب، شبستان از جمعیت پر شد و دقایقی بعد نماز جماعت برگزار گردید، سرباز امام زمان در مجلسی دعوت داشت که با گرفتن تلفن تماس با ایشان خداحافظی کردم.

آنشب تا پاسی از شب بیدار بودم و چشم به ستارگان دوخته بودم و فکر می‌کردم. آیا اقدام به ازدواج کنم؟ از کجا شروع کنم؟ خودم اقدام کنم یا به مادرم بگویم؟ هزینه آنها چطور می‌شود؟ صبح روز بعد پس از صرف صبحانه با سرباز صاحب‌الزمان تماس گرفتم و سوالات فوق را مطرح نمودم. ایشان گفت اگر احساس تکلیف در ازدواج دارید باید آنرا با خانواده خود مطرح کنید و در این راستا بهتر است قبلاً از گناهان گذشته اگر چه یک نگاه حرام بوده توبه کنید و از خداوند متعال استمداد نمائید و ائمه اطهار را واسطه قرار دهید، بقیه مسائل خودبخود حل می‌شود و از راهها و مکانهایی که تصور آنرا ندارید بشما، در این امر کمک خواهد رسید.

به توصیه های ایشان عمل کردم و پس از چند هفته تحقیق و بررسی از طرف خانواده ام با خانواده ای متدین آشنا شدیم، پدر دختر در مورد صداق گفت آنچه توانایی پرداخت دارید و یا بمدت بیست سال و به مرور مهریه را قرار دهید و بیشتر نظر ایشان حفظ ایمان و صداقت و تفاهم و کمک بیکدیگر در شکل گیری زندگی نوین را کافی می دانست. و از چشم و هم چشمی و رقابتهای غیر شرعی و اینکه انسانها باید آنچه هستند باشند نه آنچه نیستند، و از بدو تکلیف آنچه هستند را قبول کنند.

وی مخالف تشریفات و خرجهای کزائی بود و میگفت بعضی از هزینه ها را اگر صرفه جویی کنیم، می توانیم دو یا سه عروس را بخانه بخت بفرستیم. پس از تفاهمات مهریه، زمان جاری کردن عقد تعیین شد و دقت پدر عروس در این بود که اول ماه و پانزدهم ماه و آخر ماههای قمری نباشد (چون ایشان در طول سال این سه روز را روزه می داشتند) و تاکید داشتند مصادف با یکی از اعیاد اسلامی یا ولادت چهارده معصوم باشد.

که بحمدا... در روز عید غدیر خم که افضل اعیاد است و بعضاً آنرا بالاتر از عید مبعث می دانند قرارداد شد.

قبل از اذان مغرب و نزدیک غروب خطبه عقد جاری شد و پس از سلام و صلوات بر چهارده معصوم به توصیه پدر عروس، پدر داماد اذان گفت و در اول وقت نماز مغرب و عشا به امامت اولاد پیامبر خوانده شد و پس از تسبیحات حضرت زهرا دعای فرج برای ظهور حضرت مهدی ارواحنا فداء

از آن ببعده مجلس تبدیل به مجلس جشن ولایت مولایمان امیرالمومنین علیه السلام گردید و در این رابطه مداحان اهل البیت مجلس را اداره میکردند و خانواده عروس از خانواده داماد با اطعمه و اشربه پذیرایی کامل بعمل آوردند.

روز بعد، هدیه هائیکه از خانواده طرفین رسیده بود بحمدا... هزینه خرید یک اتومبیل را فراهم آورد.

و ظرف مدت ۶ ماه محل زندگی آینده و هزینه جشن عروسی فراهم شد و در نیمه شعبان، سالگرد ولادت منجی بشریت و مصلح جهانی جشن عروسی برگزار شد و آیه ان یكونوا لافقرا... (اگر از فقر می ترسید ما شما را از فضل خودمان بهره مند می گردانیم) تحقق یافت (الحمدا...).

در مجلس عروسی از غنی و فقیر دعوت بعمل آمده شده بود و ملاک دعوت تقوا و ولایت اهل البیت بود.

با خواندن چند آیه از سوره الرحمان که عروس قرآن است شخص استاد به ترجمه و تفسیر آیات پرداخت و با تذکر نعمتهای پروردگار که بر جن و انس نازل شده است و شمس و قمر را به آقا امیرالمومنین و فاطمه زهرا علیها سلام اطلاق شده و با ۳۱ مرتبه تکرار اینکه کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را می توانید تکذیب کنید، نعمت ولایت را تشریح کردند که از حوصله این مقاله خارج است. (مدت زمان ۳۰ دقیقه)

پس از آن مداحان اهل البیت درمدح آقا صاحب الزمان شعرها و سرودهای فردی و دسته جمعی خواندند که ۱/۵ ساعت بطول انجامید. در پایان مجلس از آقائی دعوت شده بود که جُکهای شرعی و اینکه غیبت و تهمت زده نشد بمدت ۰/۵ ساعت مجلس را اداره کرد که چندتائی از آنها چنین بود.

روزی آقا امیرالمومنین و آقا حضرت محمد (ص) با یکدیگر مشغول خوردن خرما بودند، آقا حضرت رسول (ص) هسته خرماها را جلوی آقا امیرالمومنین می گذاشتند و در پایان هسته خرماهای جلوی آقا امیرالمومنین بیشتر از هسته خرماهای جلوی آقا رسول... بود که آقا حضرت رسول به امیرالمومنین فرمودند شما بیشتر خرما خورده اید؟ آقا امیرالمومنین فرمودند خیر شما خرماها را با هسته خورده اید لذا معلوم نیست.

روزی آقا حضرت رسول اکرم بالای منبر بودند و جمعیت پای منبر، حضرت فرمودند هر که گفت پای راست من مثل چیست هر کس چیزی گفت ولی آخر الامر آقا رسول اکرم فرمودند پای راستم مثل پای چپم است. و چندین چیست آنکه... و

مجلس پایان رسید و پس از صرف شام با خداحافظی مهمانان با تقدیم هدایای خود به منزلشان رفتند و هیچگونه سر و صدا و جنجال و بوق و اذیت و مزاحمت ایجاد نشد و با سلام و صلوات تعدادی از افراد درجه یک خانواده، عروس و داماد را بدرقه محل سکونتشان کردند.

آقا امیرالمومنین به پیامبر فرمودند، یا رسول الله... من چند چیز دارم که شما ندارید.

حضرت رسول اکرم (ص) پرسیدند آنها چیست؟ علی (ع) عرضه داشتند، من پدر زنی همچون شما دارم که شما ندارید (پدرزن شما ابوبکر و عمرند) من همسری چون فاطمه دارم و شما عایشه را دارید و من ضربت شمشیر در جنگ خندق (احزاب) که ثواب آن افضل از عبادات ثقلین است (چون تمام کفر در مقابل تمام اسلام ایستاده بود). در این قسمت به چهل حدیث از معصومین علیهم السلام در امر ازدواج به نظر خوانندگان عزیز می‌رسانم.

حدیث اول:

قال رسول الله... علیه السلام

إذا تزوج الرجلُ أحوَرَ نِصفَ دینه.

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: کسی که ازدواج کند، نصف دینش را حفظ کرده است.

(مستدرک الوسائل ج ۱۴ ص ۱۵۴)

حدیث دوم:

قال النبی علیه السلام:

يُفْتَحُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ بِالرَّحْمَةِ فِي أَرْبَعِ مَوَاضِعَ: عِنْدَ نَزُولِ الْمَطَرِ، وَعِنْدَ نَظَرِ الْوَالِدِ فِي وَجْهِ الْوَالِدَيْنِ وَعِنْدَ فَتْحِ بَابِ الْكَعْبَةِ، وَعِنْدَ النِّكَاحِ.

پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

درهای رحمت آسمانی در چهار وقت گشوده می‌شود، ۱- موقع بارش باران ۲- زمانیکه فرزند به چهره پدر و مادرش با مهربانی می‌نگرد. ۳- هنگام باز شدن درب کعبه ۴- هنگام برپایی مراسم عقد و عروسی

بحار الانوار ج ۱۰۳ ص ۲۲۱

حدیث سوم:

قال رسول الله (صلى الله عليه و آله)

أكثرُ أهلِ النَّارِ العُرَّابُ.

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: بیشترین اهل جهنم انسانهای بی همسر هستند.

من لا یخصره الفقیه ج ۳ ص ۲۵۱

حدیث چهارم:

عَنِ النَّبِيِّ (ص)، مَنْ تَزَوَّجَ امْرَأَةً لِمَالِهَا وَكَلَّهُ اللَّهُ إِلَيْهِ، وَمَنْ تَزَوَّجَهَا لِجَمَالِهَا رَأَى فِيهَا مَا يَكْرَهُ، وَمَنْ تَزَوَّجَهَا لِدُنْيَا جَمَعَ اللَّهُ لَهُ ذَلِكَ

از پیامبر اکرم (ص) فرمودند: هر که با زنی به خاطر مالش ازدواج کند، خداوند او را به مال وی واگذار میکند، و هر که با او بخاطر جمال و زیبایی اش ازدواج نماید، در او چیزی را که خوشایند او نیست، خواهد دید، و هر که با وی به خاطر دینش ازدواج کند، خداوند تمامی این مزایا را برای او جمع می کند.

وسائل الشیعه ج ۱۴ ص ۳۱

حدیث پنجم:

قال النبی علیه السلام: إذا جائکمُ الأکفاءُ فانکحُوهُنَّ وَ لا تَرَبَّصُوا بِهِنَّ أَلْحِدِثَانِ.

پیامبر خدا (ص) فرمودند: وقتی که اشخاص هم شان به خواستگاری دختران شما آمدند، به آنها دختر دهید و در کار آنها منتظر حوادث نباشید.

نهج الفصاحه ص ۳۷ ج ۱۹۳

حدیث ششم:

قال رَسُولُ اللَّهِ (ص): ما استفادَ امرءٌ فائدةً بعدَ الإسلامِ أَفْضَلَ مِنْ زَوْجَةٍ مُسْلِمَةٍ تَسْرُهُ إِذَا نَظَرَ إِلَيْهَا، تُطِيعُهُ إِذَا أَمَرَهَا وَ تَحْفَظُهُ إِذَا غَابَ عَنْهَا فِي نَفْسِهَا وَ مَالِهِ.

پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

پس از اسلام، هیچ نعمتی برای مرد بهتر از زن مسلمان نیست که هر گاه به او بنگرد، مسرورش کند و هر گاه به او فرمان دهد، استطاعتش نماید و در غیاب او حافظ ناموس و مالش باشد.

من لا يحضره الفقيه ج ۳، ص ۲۵۵

حدیث هفتم:

عَنِ النَّبِيِّ (ص): أَيَاكُمْ وَ خَضِرَاءُ الدَّمَنِ، قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا خَضِرَاءُ الدَّمَنِ؟

قال: أَلْمَرَأَةُ الْحُسْنَاءُ فِي مَنَبَتِ اسْوَاءِ.

از پیامبر اکرم (ص): بپرهیزید از سبزههایی که در مزبله می روید. عرض شد: یا رسول الله! سبزههایی که در مزبله می روید چیست؟ حضرت فرمودند: زن زیبایی که در خانواده پست و ناشایست بوجود آمده باشد.

من لا يحضره الفقيه ج ۳ ص ۲۵۱

حدیث هشتم:

قال رسول الله (ص): تَزَوَّجُوا الْأَبْطَارَ فَإِنَّهُنَّ أَعَذَبُ أَفْوَاهًا وَ أَرْتَقُ أَرْحَامًا وَ أَسْرَعُ تَعَلُّمًا وَ أَثْبَتُ لِلْمَوَدَّةِ.

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: با دختران باکره ازدواج کنید، زیرا که دهان آنان شیرین و رَحْمِشان مناسبتر است و زود چیزی را یاد می گیرند و محبتشان پایدارتر است.

بحار الانوار ج ۱۰۳ ص ۲۳۷

حدیث نهم:

قال رسول الله (ص): إِنَّ مِنْ يُمِنِ الْمَرْأَةِ تَيْسِيرَ خِطْبَتِهَا.

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: از نشانه های برکت زن آن است که خواستگاریش بی تکلف و آسان انجام گیرد.

کترالعمال ج ۱۶ ص ۳۲۲

حدیث دهم:

قال النبي (ص): لَا يَخْطُبُ أَحَدُكُمْ عَلَى خِطْبَةِ أَخِيهِ.

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: هیچ یک از شما زنی را که دیگری خواستگاری می کند، خواستگاری نکند (تا اینکه با او ازدواج

کند و یا اینکه منصرف شود، اگر منصرف شد، خواستگاریش بلا مانع است)

صحیح مسلم ج ۲ ص ۳۴

حدیث یازدهم:

قال رسول الله (ص): شَارِبُ الْخَمْرِ لَا يُزَوَّجُ إِذَا خَطَبَ.

پیامبر اکرم (ص) فرمودند شرابخوار اگر تقاضای ازدواج کرد قبول نکنید.

وسایل الشیعه ج ۲۰ ص ۷۹

حدیث دوازدهم:

قال النبي (ص): لَا وَلِيمَةَ إِلَّا فِي خَمْسٍ: عَرَسٍ أَوْ خُرْسٍ أَوْ عِدَارٍ أَوْ وَكَارٍ أَوْ رِكَازٍ.

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: سور و ولیمه در پنج مورد است.

۱- عروسی ۲- تولد اولاد ۳- ختنه کردن نوزاد ۴- خرید خانه ۵- بازگشت از سفر مکه

من لایحضر الفقیه ج ۳ ص ۲۶۳

حدیث سیزدهم:

قال رسول الله عليه السلام: إِنَّ مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ الْإِطْعَامَ عِنْدَ التَّزْوِيجِ.

پیامبر اکرم فرمودند: سور دادن و اطعام در ازدواج، از سنت پیامبران است.

فروع کافی ج ۵ ص ۳۶۷

حدیث چهاردهم:

قال رسول الله (ص): أَفْضَلُ نِسَاءِ أُمَّتِي أَصْبَحُوهُنَّ وَجِهًا وَأَقْلَهُنَّ مَهْرًا

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: بهترین زنان امت من، زنانی هستند که خوشروتر و مهریه ایشان کمتر باشد.

من لایحضر الفقیه ج ۳ ص ۲۵۲

حدیث پانزدهم:

قال رسول الله (ص): لَوْ أَنَّ جَمِيعَ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ ذَهَبٍ وَفِضَّةٍ حَمَلَتْهُ الْمَرْأَةُ إِلَى بَيْتِ زَوْجِهَا ثُمَّ صَرَبَتْ عَلَى رَأْسِ زَوْجِهَا يَوْمًا مِنَ الْأَيَّامِ، تَقُولُ: مَنْ أَنْتَ؟ إِنَّمَا الْمَالُ مَالِي، حَبِطَ عَمَلُهَا وَ لَوْ كَانَتْ مِنْ أَعْبِدِ النَّاسِ إِلَّا أَنْ تَتُوبَ وَ تَرْجِعَ وَ تَعْتَدِرَ إِلَى زَوْجِهَا. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: اگر تمام چیزهاییکه روی زمین از طلا و نقره وجود دارد، زن آنها را به خانه شوهرش بیاورد. آنگاه یک روز از روزها بر سر شوهرش منت بگذارد و بگوید تو کیستی؟ این اموال مال من است. در این صورت اجر و عمل زن از بین می‌رود اگرچه از عابدترین مردم باشد. مگر اینکه توبه کند و برگردد و از شوهرش عذرخواهی کند.

مکارم اخلاق باب ۸ ص ۲۰۲

حدیث شانزدهم:

قال رسول الله (ص): لَا سَهْرَ إِلَّا فِي ثَلَاثٍ، مُتَهَجِّدٍ بِالْقُرْآنِ، أَوْ فِي طَلَبِ الْعِلْمِ، أَوْ عَرُوسٍ تُهْدَى إِلَى زَوْجِهَا. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: شب بیداری روا نیست، مگر در سه مورد: ۱- تلاوت قرآن، ۲- تحصیل علم. ۳- بردن عروس به خانه داماد.

وسایل الشیعه ج ۲ ص ۹۲

أَمَرَ النَّبِيُّ (ص): بَنَاتِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَ نِسَاءَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ: أَنْ يَمْضِينَ فِي صُحْبَةِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا سَلَامٌ وَ أَنْ يَفْرَحْنَ وَ يَرْجُزْنَ وَ يُكَبِّرْنَ وَ يَحْمَدْنَ وَ لَا يَقْلْنَ مَا لَا يَرْضَى اللَّهُ.

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: دختران عبدالمطلب و زنان مهاجروانصار در شب عروسی حضرت فاطمه علیها سلام بهمراه او بروند و شادی کنند و شعر و سرود بخوانند، تکبر و حمد بگویند، و از گفتن حرفهایی که خدا بدان راضی نیست، بپرهیزند.

مستدرک الوسائل ج ۱۴ ص ۱۹۸

حدیث هفدهم:

قال امیرالمومنین (ع): أَفْضَلُ الشَّفَاعَاتِ أَنْ تَشْفَعَ بَيْنَ اثْنَيْنِ فِي نِكَاحٍ يَجْمَعُ اللَّهُ بَيْنَهُمَا. حضرت امیرمومنان (ع) فرمودند: از بهترین شفاعتها، شفاعت بین دو نفر در امر ازدواج است تا اینکه خداوند آنان را مجذوب یکدیگر گرداند.

تهذیب ج ۷ ص ۴۰۵

حدیث هیجدهم:

قال علی (ع): إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ يَتَزَوَّجَ فَلْيَسْتَلْ عَنِ شَعْرِهَا كَمَا يَسْأَلُ عَنِ وَجْهِهَا فَإِنَّ الشَّعْرَ أَحَدُ الْجَمَائِلِ. حضرت علی (ع) فرمودند: هر وقت یکی از شما، بخواد ازدواج کند، از اوصاف موی سر زن نیز سوال کند همچنانکه از چگونگی رخسار او می‌پرسد. چون که موی زن یکی از دو زیبایی (مو و صورت) اوست. (و اگر یکی از دو طرف آنرا رنگ کرده‌اند باید مطرح کنند چه رسد به بیماری یا اعتیاد و مسائلی از این قبیل)

من لا یحضر الفقیه ج ۳ ص ۲۵۴

حدیث نوزدهم:

قال امیرالمومنین (ع): لَا تُغَالُوا بِمُهورِ النِّسَاءِ فَتَكُونَ عَدَاوَةً
حضرت علی (ع) فرمودند: مهریه زنهارا سنگین نگیرید که موجب کدورت و دشمنی گردد.

وسائل الشیعه ج ۱۵ ص ۱۱

حدیث بیستم:

عن ابی جعفر (ع) قال: الصَّدَاقُ مَا تَرَا ضِیَا عَلَیْهِ مِنْ قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ فَهَذَا الصَّدَاقُ
مهریه همان چیز است که طرفین بر آن توافق می کنند، کم باشد یا زیاد.

فروع کافی ج ۵ ص ۳۷۸

حدیث بیست و یکم:

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ، سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَنِ الرَّجُلِ يُرِيدُ أَنْ يَتَزَوَّجَ الْمَرْأَةَ، أَيْنَظُرُ إِلَيْهَا قَالَ: نَعَمْ إِنَّمَا يَشْتَرِيهَا بِأَعْلَى الثَّمَنِ
محمد بن مسلم می گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم: مردی که می خواهد با زنی ازدواج کند، آیا حق دارد او را ببیند؟
امام علیه السلام فرمودند: آری چون در برابر آن بهای سنگینی می پردازد.

وسائل الشیعه ج ۲ ص ۸۸

حدیث بیست و دوم:

قال الصادق عليه السلام: مَنْ تَرَكَ التَّزْوِيجَ مَخَافَةَ الْفَقْرِ فَقَدْ آسَأَ الظَّنَّ بِاللَّهِ عَزَّوَجَلَّ إِنَّ اللَّهَ، عَزَّوَجَلَّ، يَقُولُ، إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ
يُغْنِيهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ:
امام صادق علیه السلام می فرماید: هر کس از ترس فقر، ازدواج نکند نسبت به لطف خداوند بد گمان شده است چرا که
خداوند می فرماید، اگر آنان فقیر باشند، خداوند از فضل و کرم خود بی نیازشان می کند.

من لا يحضره الفقيه ج ۳ ص ۲۵۱

حدیث بیست و سوم:

عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ، مَنْ زَوَّجَ أَعْرَبًا كَانَ مِمَّنْ يَنْظُرُ اللَّهُ، عَزَّوَجَلَّ، إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ...
کسی که مجردی را تزویج کند و امکان ازدواج او را فراهم نماید از کسانی است که در قیامت خداوند به آنان نظر لطف
می کند.

وسائل الشیعه ج ۲۰ ص ۴۵

حدیث بیست و چهارم:

قال الصادق عليه السلام: أَرْبَعَةٌ يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: مَنْ أَقَالَ نَادِمًا أَوْ أَغَاثَ لَهْفَانَ أَوْ أَعْتَقَ نَسَمَةً أَوْ زَوَّجَ عَرَبًا
امام صادق علیه السلام فرمودند: چهار کس در قیامت مورد نظر پروردگارانند:

۱- آنکه چون طرف معامله پشیمان شود، معامله را برگرداند. (اقاله کردن معامله بسیار ثواب دارد).

۲- کسی که غم از دلی برگیرد.

۳- کسی که برده ای را آزاد کند.

۴- کسی که بی همسران را به ازدواج همدیگر درآورد.

وسائل الشیعه ج ۲۰ ص ۴۲

حدیث بیست و پنجم:

عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا بَأْسَ بَأَنْ يَنْظُرَ الرَّجُلُ إِلَى الْمَرْأَةِ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَتَزَوَّجَهَا. يَنْظُرُ إِلَى خَلْفِهَا وَإِلَى وَجْهِهَا. امام صادق علیه السلام فرمودند: مانعی ندارد که مرد قامت و صورت زنی را که قصد ازدواج با او را دارد، ببیند.

وسائل الشیعه ج ۲۰ ص ۸۸

حدیث بیست و هشتم:

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّمَا الْمَرْأَةُ قِلَادَةٌ فَانظُرْ مَا تَتَّقَلَّدُ.

امام صادق علیه السلام فرمودند: زن همانا گردنبندی است، نیک بنگر که چه گردنبندی را به گردنت آویزان می کنی.

وسائل الشیعه ج ۲۰ ص ۳۳

حدیث بیست و هفتم:

سُئِلَ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَتَزَوَّجَ امْرَأَةً وَإِنَّ أَبِيَّ أَرَادَ أَنْ يَتَزَوَّجَ ابْنَتِي وَدَعَا لِي أَبُو بَكْرٍ.

از امام صادق علیه السلام سوال کردند؟

من میخوامم با زنی ازدواج کنم ولی پدر و مادرم مایلند با دیگری ازدواج کنم. امام علیه السلام فرمودند: با زنی که خودت

مایلی ازدواج کن، و زنی را که پدر و مادرت (بدون رضایت تو) انتخاب کرده اند، رها کن.

فروع کافی ج ۵ ص ۳۷۸

حدیث بیست و هشتم:

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: حِينَ تَزَوَّجَ مَيْمُونَةَ بِنْتَ الْحَارِثِ أَوْلَمَ عَلَيْهَا وَأَطْعَمَ النَّاسَ الْحَيْسَ.

امام صادق علیه السلام فرمودند: پیامبر خدا (ص) در هنگام تزوج (میمونه) دختر حارث و لیمه دادند و با غذای معجون خرما از

حاضرین پذیرایی کردند.

فروع کافی ج ۵ ص ۳۶۸

حدیث بیست و نهم:

قَالَ الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

إِنَّ مِنْ بَرَكَاتِ الْمَرْأَةِ الْمَرْأَةَ قَلَّةً مَهْرًا.

امام صادق علیه السلام فرمودند: از برکات زن کمی مهریه است.

من لا يحضر الفقيه ج ۳ ص ۲۵۴

حدیث سیم:

عن أبي عبد الله عليه السلام قال: مَنْ أَمَهَرَ مَهْرًا ثُمَّ لَا يَنْوِي قَضَاءَهُ كَانَ بِمَنْزَلَةِ السَّارِقِ.

امام صادق علیه السلام فرمودند: کسیکه مهریه ای (برای زن قرار دهد) و قصدش این باشد که به او ندهد او همانند دزد است.

فروع کافی ج ۵ ص ۳۸۳

حدیث سی و یکم:

قال الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْبَيْتَ الَّذِي هُوَ الْعَرْشُ.

امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند خانه ای را که در آن عروسی انجام گرفته، دوست می دارد.

وسائل الشیعه ج ۲۲ ص ۷

حدیث سی و دوم:

عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: زُفُّوا عَرَائِسَكُمْ لَيْلًا وَاطْعِمُوا ضُحَىً.

امام صادق علیه السلام فرمودند: مراسم عروسی را در شب و مهمانی را در روز انجام دهید.

من ل ایحضر الفقيه ج ۳ ص ۲۶۲

حدیث سی و سوم:

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا دَخَلْتَ عَلَيْكَ أَهْلُكَ فَخُذْ بِنَاصِيئِهَا وَاسْتَقْبَلِ بِهَا الْقِبْلَةَ وَقُلْ: اَللّٰهُمَّ ... فَإِنْ قَضَيْتَ لِي مِنْهَا وَكِدًّا فَاجْعَلْهُ مُبَارَكًا سَوِيًّا

امام صادق علیه السلام فرمودند: چون همسرت به خانه تو آمده دست بر پیشانی‌اش بگذار و رو به قبله برگردان و (دعا کن) بگو خداوندا... اگر از این همسرم، فرزندی برای من تقدیر نمایی، فرزند مبارک و سالم عنایت فرمای.

من ل ایحضر الفقيه ج ۳ ص ۲۶۳

حدیث سی و چهارم:

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَلْعَبِ كَلِّمًا مِنْ دَادٍ لِلنِّسَاءِ حُبًّا إِزْدَادًا فِي الْإِيمَانِ فَضْلًا.

امام صادق علیه السلام می فرمایند: هر چه محبت مرد بر زن بیشتر گردد بر فضیلت ایمانش افزوده می شود.

من ل ایحضر الفقيه ج ۳ ص ۲۵۱

حدیث سی و پنجم:

قال الامام الكاظم عليه السلام: ما من امرأة تسقى زوجها شربة من ماء الا كان خيرا لها من عبادة سنة.

امام کاظم علیه السلام می فرمایند: هر زنی که به شوهرش قدری آب آشامیدنی بدهد، پاداش آن از عبادت یک ساله بالاتر است. (حال ثواب خدمات دیگر مثل آشپزی، بچه داری، تمیز کردن منزل و ... چقدر ثواب خواهد داشت).

وسائل الشیعه ج ۲۰ ص ۱۷۲

حدیث سی و ششم:

قال موسی بن جعفر علیه السلام: ثلاثه یستظلون بظل عرش الله یوم القیامه، یوم لا ظل الا ظله: رجل زوج اخاه المسلم او اخدمه او کتم له سراً.

امام کاظم علیه السلام فرمودند: سه دسته در روز قیامت، روزی که سایه و پناهی جزء سایه خداوند نیست، در سایه و پناه خدا هستند: ۱- مردی که زمینه ازدواج برادر مسلمانش را آماده نماید. ۲- مردی که به برادر مسلمانش خدمت کند. ۳- کسی که سر برادر مسلمانش را بپوشاند.

وسائل الشیعه ج ۲۰ ص ۴۶

حدیث سی و هفتم:

قال الامام الرضا علیه السلام: اذا خطب رجل رضیت دینه و خلقه فزوجیه و لا یمنعک فقره و ...

امام رضا علیه السلام فرمودند: هنگامیکه مردی از شما خواستگاری کرد که از دین و اخلاق او راضی بودید به ازدواج با او رضایت دهید. و مبادا فقر او ترا از این رضایت باز دارد و ...

میزان الحکمه ج ۴ ص ۲۸۰

حدیث سی و هشتم:

قال الامام الرضا علیه السلام: من سنّته (رسول الله علیه السلام) التزویج باللیل، لان الله تعالی جعل اللیل سکناً و النساء انما هن سکن.

امام رضا علیه السلام فرمودند: مراسم عروسی در شب، سنت پیامبر اسلام است، چرا که خداوند شب را مایه آرامش قرار داده و زن هم آرامش خاطر است.

وسائل الشیعه ج ۲۰ ص ۹۱

حدیث سی و نهم:

نقل است از معصوم بدین مضموم.

جوانی خدمت رسول اکرم (ص) رسید و ابراز فقر و تنگدستی کرد، آن بزرگوار وی را به تشکیل خانواده و ازدواج توصیه کردند. آن جوان تعجب کرد و با خود گفت من از فقر می گویم و پیامبر از ازدواج؟!
بهرحال با کمک والدین تشکیل زندگی داد و وضع مالی آن جوان خوب شد و به حکمت توصیه حضرت پی برد.

حدیث چہلم:

نوادیر الراوندی: باسناده، عن موسی بن جعفر، عن آبائه علیہم السلام عن النبی صلی اللہ علیہ وآلہ قال: ما من شاب تزوج فی حدائہ سنہ الا عج شیطانہ یا ویلہ یا ویلہ عصم منی ثلثی دینہ، فلیتق اللہ العبد فی الثلث الباقی از امام موسی بن جعفر (ع) از پدرانیشان از حضرت رسول اکرم نقل است کہ فرمودند اگر کسی در ابتدای سنین جوانی ازدواج کند فریاد شیطان عاجز می شود، و می گوید وای بر من وای بر من از این عمل کہ $\frac{2}{3}$ دین وی حفظ شد پس تقوای خداوند را باید داشته باشد در ثلث آخر.

در این قسمت بعلت اینکه در محافل شادی و عقد و عروسی بعضاً از آلات لہو و لعب بیزارند و مقید بہ حدود الہی می باشند و از گناہ آنچنان متنفرند، بطوریکہ از مردار و اشیاء متعفن. پس از بحث توصیہ بہ دعا کردن و شرایط آن تصمیم بہ جمع آوری تعدادی سرود و شعر گرفته شد. کہ این مجالس خالی از طنز و شادی نباشد و در عین حال با گناہ و مردم آزاری و بوقہای مکرر اتومبیل، و راه بندان جادہها موجب اذیت و آزار دیگران نشدہ و مهمانان با چہرہای باز و متبسم بہ خانہهایشان بروند نہ با تصادف و خاطرات بد.

توصیه به دعا کردن و شرایط آن

برای موفقیت در امر ازدواج علاوه بر تحقیق و بررسی جوانب امور باید دست به دعا برداشت و از خداوند متعال کمک خواست زیرا خود او فرمود اَدْعُونِي اَسْتَجِبْ لَكُمْ (بخوانید مرا تا شما را اجابت کنم) ولی باید دانست دعا کردن آداب دارد که بطور خلاصه موارد زیر را مقدم بر دعا بدانید و پس از آن دست بدعا بردارید.

۱- طهارت ظاهری و باطنی داشته باشید. (قلب خود را از کینه و کبر و حسد و دروغ خالی و لباس شما حلال و پاک باشد.) و وضو بگیرید.

۲- صدقه در راه خدا بدهید یا گرسنه‌ای را سیر کنید یا دلی را شاد نمایید.

۳- دو رکعت نماز حاجت (همانند نماز صبح) بخوانید.

۴- بسم الله الرحمن الرحيم بگوئید.

۵- تعریف و تمجید خداوند بگوئید و نعمتهایی را که به شما ارزانی داشته یادآور شوید.

۶- بر محمد و آلش صلوات بفرستید و محبت آنان را در دل داشته باشید.

۷- گناه را کوچک ن‌شمارید و به کوچکی گناه (صغیره بودن) نگاه نکنید. (بلکه عظمت الهی را در نظر بگیرید)

۸- برای دیگران مقدمتاً دعا کنید و آنانیکه بشما ظلم کرده‌اند را برای هدایشان دعا کنید.

۹- در دعا کردن خوش گمان باشید و فکر و روحتان بلند باشد (کَلِّی دعا کنید مانند، خداوندا همه مریضها را شفا ده خداوندا همه مقروضین را قرضشان را اداء فرما و ...)

۱۰- با حالت تضرع دعا کنید.

۱۱- در دعا اصرار کنید (زیرا اگر آن دعا مستجاب نشود به جبران آن خیر دیگر یا رفع شری برایتان منظور می‌شود).

۱۲- بعد از نماز حاجت و نماز فریضه و تعقیبات (بخصوص تسیحات حضرت زهرا علیها سلام) دعا مستجاب است.

۱۳- با خوف و رجاء (ترس و طمع) دعا کنید.

۱۴- قبل از دعا از غذای حلال استفاده کرده زیرا، خوردن غذای حلال باعث استجاب دعا است.

۱۵- به قولها و عهدهاییکه بخداوند متعال داده اید عمل کنید، دعایتان مستجاب می‌شود.

۱۶- از مردم قطع امید کنید و ائمه اطهار را واسطه قرار دهید (بخصوص پنج تن آل محمد را) دعا مستجاب می‌شود.

۱۷- بعضی مواقع دعایتان مستجاب شده ولی گناهی که بعد از آن انجام داده اید جلوگیری از استجاب دعای شما می‌شود لذا آقا امیرالمومنین میفرمایند خداوندا پیامرز گناهایی که باعث حبس دعا می‌شوند. و از معصوم آمده حبس دعا بعلت بی‌اهمیت

بودن در امر نماز در اول وقت با شرایط آن

۱۸- اعمال قدرت الهی را حکیمانانه بدانید.

۱۹- شبهای قدر یا شبهاییکه مناسبت الهی دارند یا شب جمعه را برای دعا کردن انتخاب کنید.

۲۰- صلوات بر محمد و آلش زیاد بفرستید. انشا... دعایتان مستجاب می‌شود.

نام خدا

به به از این جشن همایون اساسی عقل کند باغ بهشتش قیاسی
 مجلسیانش همه ارباب حال با خرد و با ادب و با کمال
 نیست در این مجلس، لهُو و لعب تا بشود کس، گُنهی، مرتکب
 میوه و شیرینی و گز با هم است عیش و طرب، بهر همه توأم است
 تا بشود قلب همه منجلی لب بگشایم، بمدح علی
 ای خانه کعبه، زادگاهت ای بیت، اسیر یک نگاهت
 هم هشت بهشت، بذل دستت هم هفت سپهر خاک راحت
 چون ذات مقدس الهی کس پی نبرد به قدر و جاهت
 تو، نفس محمدی، علی جان آئینه سرمدی، علی جان
 تا روی زمین ناجی و هالک باشد تا نام علی ذکر ملائک باشد
 این جشن به فامیل عروس و داماد فرخنده و میمون و مبارک باشد
 بهر تبریک، اندر این جلسات گو بر پیغمبر خدا صلوات

حاج علی محمود زاده (اصفهان)

گشته چو پیوند دو گل با شعف

مجلسیان جمله زیند کف به کف

حاج علی محمود زاده (اصفهان)

باز از لطف مَهْدی اَلْهَادی شد پیا بزم و جشن دامادی
 دوستان غرق عِشرت و شادی اهل مجلس پی مبارک باد
 کف زیند از برای شه داماد کف زیند از برای شه داماد
 گل به بلبل، ز مهر پیوسته همچنان عاشقانه دلخسته
 شه داماد همچو گلدسته در یمین و یسار او، شمشاد
 کف زیند از برای شه داماد کف زیند از برای شه داماد
 یار در پشت پرده کرده جلوس بال گسترده همچنان، طاووس
 مه نخوانش بگو تو تازه عروس اوست شیرین و همسرش فرهاد
 کف زیند از برای شه داماد کف زیند از برای شه داماد
 بشه از این بزم و جشن و مهمانی هر طرف مردمان روحانی
 من چه گویم تو خوب می دانی هم خدا راضی و هم بنی دلشاد
 کف زیند از برای شه داماد کف زیند از برای شه داماد
 نسترن زوج و زوجه اش لاله لاله، نی ماه چهارده ساله
 دوستان عزیز از دو طرف وقت باشد طلا، مکن تو تلف

دو دقیقه تمام، کف بر کف تا که انعام ما نرود از دست
کف زنید از برای شه داماد کف زنید از برای شه داماد

حاج اصغر آقا کلانی (اصفهان)

حق ندارد کسی اینجا بکند چهره عبوس

همه تبر یک بگوئید به داماد و عروس

ای رفیق که ستادی بر داماد، خصوص

عوض ما همگی چهره ماهش تو بیوس

حاج آقا رسول کاردانیپور (اصفهان)

مرشد شهر قمصر گفت فراز منبر

هر که بگیرد یک زن چراغی کرده روشن

یکی، یکی اضافه تا چهار تازن معافه

پای منبر خویش بدید همسر خویش

از ترس آن ضعیفه سرود این لطیفه

لامپ اضافی خاموش

هرگز نشد فراموش

حاج آقا مهدی غزالی (اصفهان)

(شب عروسی)

مجلس ما ز صفا، رشک جَنان است امشب

پای وجد و طرب و عیش نشان است امشب

همه شادند به پاکوبی و دست افشانی

یکجهان شور از این بزم عیان است امشب

شاد باشد، دل یاران و مجبان، زیرا

که شب وصلِ چنین تازه جوان است امشب

روز خرسندی که این غنچه دهان است امشب

شب دامادی این سرو، روان است امشب

بلبلی می رسد، اکنون به وصلِ گلِ خویش

که بصد شور و نوا نغمه زنان است امشب

بزم ما خرمی روضه رضوان دارد

که شادی و صفا رشک جَنان است امشب

به به از رونق این جشن همایون که بر آن

چشم حوران بهشتی نگران است امشب

شربت شادی ز کفِ ساقیِ مجلس نوشند

ظرف عشرت بکف مجلسیان است امشب

شده پیوندِ دو فامیل چو محکم باهم

شاد و خُرْم دل هر پیر و جوان است امشب

ای حریفان همه بر شادی و عشرت کوشند

که نه از غُصه و غم نام و نشان است امشب

همه را از پی زوجیت داماد و عروس

بانک تبریک چو ما هر بزبان است امشب

(حاج علی حسن هرنندی)

شب عروسی

این جشن با شکوه که امشب همی بیاست

چون باغ خُلد دلکش و مطبوع و جان فراست

هم موجب رضایت پیغمبر است و آل

هم مورد عنایت و الطاف کبریاست

بزمی است با طراوت و جشنی است باصفا

جائی نشاط بخش و مکانی فرح فراست

از صافی، طینتستان شده، این بزم چون بیا

الحق که همچو خُلد برین، روضه الصفاست

چون نیست، در آن عملی بر خلاف شرع

خشنود از آن پیغمبر و راضی، از آن خداست

بر جای نغمه نی و، آواز و تار و دُف

در گوش ما مناجات سلطان اولیاست

شاه نجف، وصی بلافضل مصطفی

کاندر صف جزا بسوی چشم انیاست

مولای جن و انس که در روز رستخیز

بر دست جُودِ مُکرمش چشم ما سواست

(هیئت حضرت ابوالفضل حاج علی حسنی هرنندی)

جشن عقد و عروسی

مجلس عیش مهیاست، مبارک باشد

روح بخش و طرف افزاست، مبارک باشد

عارف و عالم و عامی همه یک جا جمع اند

بزم چون سینه سیناست، مبارک باشد

مدعی رو بشین، عیب مجو، خورده مگیر

مجلس از عیب مُبراست، مبارک باشد

قلب داماد مجبان همه شاد و خُرّم

همچو آئینه مصفاست، مبارک باشد

(حاج علی حسن هرنندی)

دست زدن

شادمان گرد هم آئید و همه صف بزیند

بهر خشنودی داماد و عروس همه کف بزیند

شاد باشد بحق شاه نجف

هر کرا با نشاط زد کف بر کف

(حقیقی)

ای مجلسیان بگرد هم صف بزیند

صد طعنه ز شادی به نی و دُف بزیند

از بهر سلامتی داماد و عروس

با شوق و شَعَف ز جان و دل کف بزیند

(حاج علی حسن هرندی)

کف زدن

امشب این جشن فرح بخش که بر پا شده است

بهر خشنودی داماد مهیا شده است

جمع اسبابِ طرب بر همه یکجا شده است

در چنین بزم که اکنون فَرَح افزا شده است

اکنون که بُود زمان شادی و شعف

با خاطر شاد، جمله یاران زده صف

مارا بُود کار به تار و نی و دف

با شوق ز نیم جمله کف را بر کف

(حاج علی حسن هرنندی)

کف زدن

اهل مجلس همه در شادی و عشرت کوشید

بر بَدَن جامه عشرت به مسرت پوشید

نقل و شیرینی و شربت به محبت نوشید

شعر شیرین مرا ز صفا پوشید

من نگویم که در این جشن نی و دف بزیند

بهر خشنودی داماد همه کف بزیند (۲ دقیقه)

(حاج علی حسن هرنندی)

دست زدن

تا روى زمين، ناجى وهالك باشد

تا نام ز مملوك و ز مالك باشد

اين جشن شريف بهر داماد و عروس

فرخنده و ميمون و مبارك باشد

آنانكه در اين جشن همايون زده صف

اجر همه با شهشه ملك نجف

از بهر سلامتى داماد و عروس

محكم بزنيد جملگى كف بر كف

(حاج على محمود زاده)

ازدواج حضرت علی و فاطمه علیها سلام

سوگند به روی تو و الفجر منور

برده شب ذی حجه و بر سوره کوثر

ای نور فروزنده و ای فاطمه ی پاک

مقصود تویی اینهمه از خلقت افلاک

والشمس تو را گفت خداوند نکویت

احسنت به خود گفت ز پیدایش رویت

ای فاطمه جان گشته جهانی ز تو روشن

از آمدنت دامن گیتی شده گلشن

این حُسن و ملاحظت نه از این عالم خاکست

زیبایی و صورتگری ایزد پاک است

بس نکته ی سر بسته در این راز نهفته

از چیست که معبود تو را فاطمه گفته

هم آسیه و هاجر و هم ساره و مریم

گردیده کنیز تو از این چار مقدم

محبوبه حق چشم کسی چون تو ندیده

از خاک درت دیده ما سر مه کشیده

چون شرح دهم چهره خورشید فلق را

آن نور فروزنده و آن عصمت حق را

آن روشنی دیده پیغمبر خاتم

زهر است، گل سر سبد عالم و آدم

در خانه آنیس دل و غمخوار محمد

در جبهه، طیبانه، پرستار محمد

پرورده‌ی دست کرم و ژهره طه

هم دختر پیغمبر و هم ام ایها

هم طیبه ی طاهره؛ هم درج گهر بود

زهره چه بشر بود که مافوق بشر بود

چون دخت رسول دو سرا گشت رشیده

گردید دلارام به اوصاف حمیده

صدیقه پسندیده خلاق جهان شد

از زهد سر آمد به همه کون و مکان شد

بس گشته ز اشراف عرب طالب زهرا

آن چهره تابنده و صدیقه کبری

کس راه نمیداد در آن خانه مُحَمَّد

آن پیک خداوندی و آن آیت سرمد

فرمود که زهرا گل فردوس نشان است

در مورد او هر چه خدا گفت همان است

جبریل پیامد که خدا داد سلامت

درباره صدیقه چنین داد پیامت

گفتا که حییم بود اینگونه مقدر

زهرای تو با شاه ولایت شده همسر

زیرا که علی قبله گه اهل یقین است

داماد تو آن خوبترین اهل زمین است

فرزند ابوطالب و مولا و مظفر

اسطوره مردانگی و حیدر و صفدر

کان راز شجاعت بُودش دست یدالله

نامش به سموات، علی ولی الله

گفت این گهرت در دو جهان مشتریست

جز شیر خدا لایق بر همسرش نیست

زین روی خدا فاطمه را زوج علی کرد

عقدش به سموات، خدای ازلی کرد

رخسار علی بود که خود قبله نما بود

مولود حَرَم، سرور دین، مرد خدا بود

او فاتح هر جبهه و هم زاهد شب بود

انسان خداگونه و سلطان عرب بود

زهرارخ پاکیزه او غرق حیا شد

از بهر علی گفت بلی، شاد و رضا شد

آری تو ز آن دولت پاینده ای ایزد

آرام علی گشتی و آرام محمد

ای فاطمه جان غنچه به موی تو مبارک

مشاطه به رخسار نکوی تو مبارک

ای فاطمه این جشن طربناک مبارک

از نور تو شد خلقت افلاک مبارک

خشنودی تو شادی پنهان محمد

آمیخته شد جان تو با جان محمد

ای دختر فرخنده محمود گرامی

جانم به فدایت بابی انت و امی

حوران بهشتی همه ای زهره والا

آئینه نگه داشته در عالم بالا

آیند ملائکک به زمین دسته به دسته

خورشید سما زهره، پس پرده نشسته

آب و گل عالم همه مهر تو مبارک

آئینه ات عرش است، سپهر تو مبارک

ایزد چو تو را جلوه گری کرد و بیاراست

از خیلِ ملائکک همه جا زلزله برخاست

شرم از نگهت فاطمه جان شمس و قمر داشت

آندم که علی مقنعه از روی تو برداشت

ای فاطمه جان غنچه به موی تو مبارک

مشاطه به رخسار نکوی تو مبارک

با هم چو عروس، گل و داماد ستادند

اکسیر دو عالم همه بر وزنه نهادند

دیدند چو این منظره سکان سموات

کردند به زهرا و علی جمله مباحات

با ذکر سلام و صلوات و به اشاره

کردند در این بزم سه خورشید نظاره

گفتند ملائک همه در حال نیایش

این زبده ی هستی است خدا داده نمایش

هر روز سه نورش به فلک جلوه گری بود

این زهره تابنده سزاوار علی بود

گفتند مبارک همه این روز خجسته

الله بزرگ است بر این عقد که بسته

تاج سرت ای فاطمه از قبه ی نور است

عالم همه از شادی تو غرق سرور است

ای فاطمه امروز ملائک همه شادند

گل بر سر گل باده به پیمانۀ نهادند

در شان تو کرده است نزول آیه تطهیر

والشمس و قمر گشته به رخسار تو تفسیر

ای راضیه ی مرضیه؛ ریحانه به قامت

کانون و فاء؛ شافعه ی روز قیامت

هم آل عبا هم گل پرورده ی یاسین

در راه دهدد پیرهن خویش به مسکین

ای خانه‌ی تو خانه‌ی توحید و کرامت

در دست تو ای فاطمه خورشید هدایت

کی وصف تو شاید که چنین نیست زبانم

یک را به هزاران ز تو گفتن نتوانم

تا نام علی نقشه‌ی گلگون شفق شد

هم محرم صدیقه و هم محرم حق شد

این جشن طرب با گل و شمشاد مبارک

چون شاه ولایت شده داماد مبارک

زهرآ قدمش بهر سرای تو مبارک

این بانوی عالم ز برای تو مبارک

زین جشن نکو دیده‌ی حوا شده روشن

از نور رخس عالم عالم بالا شده روشن

گفته است تو را فاطمه بابای نکویت

هر لحظه بهشت است مرا دیدن رویت

بر شاه ولایت شده همپایه و همسر

از بهر پیمبر شده فردوس مکرر

چونت بسرايم که تو زان گفته فزونی

ای فاطمه جان از سخن و وصف برونی

تا گرد گریبان تو گلهای سپید است

ما را به دل از جود و سخای تو امید است

این جشن به پیغمبر و داماد مبارک

بر فاطمه این خاطره‌ی شاد مبارک

روح توبه فردوس شود شاد خدیجه

چون گشته علی بهر تو داماد خدیجه

آنها که دو صد شمه ز احوال تو خوانند

ای فاطمه جان اول وصف تو بمانند

زان مولد و میلاد که فرزند تو باشد

گلهای نبوت همه دلبنده تو باشد

بر روی حسین و حسنت نور امامت

کان معدن حلم است و یکی شیر شجاعت

ای حُسنِ تو با گلشن فردوس برابر

بر زینب و بر جمله امامان شده مادر

زان زاده‌ی پاکان تو ای مام ولایت

تا مه‌دیت ای فاطمه بر ماست کفایت

امید که از یمنِ تو خورشید بتابد

مه‌دی زبیس پرده، به ما رخ بنماید

ای فاطمه مسکینِ نرود از نظر تو

ایستاده به صف، خیل گدایان به در تو

در باز کن ای فاطمه بر عاشق خسته

کس در به گدایی که بود دوست، نبسته

ای فاطمه جان، غنچه به موی تو مبارک

مشاطه به رخسار نکوی تو مبارک

ای فاطمه جان، گر تو برانیم از این در

آیم به گدایی تو باز از در دیگر

اطعام نما فاصله بیگانه نباشم

روبر که کنم گرد در این خانه نباشم

عقد است و عروسی و گل و آینه بسته

معصومه بر این خوان کرم تازه نشسته

سوگند به حق حسن و جان حُسنیت

وان هر دو جگر گوشه و آن نور دو عینت

ما را بده نقلی و طعامی و شرابی

زان کوثر پاکیزه رسان شربت آبی

ای فاطمه ای سیر خداوند خطاپوش

بانام تو گردیده مرانام فراموش

ای زهره برآور ز کرم آروزیم را

من غرق گناهم تو بخر آبرویم را

ای فاطمه امروز به دل عشق تو دارم

تا حشر چنین، جان حُسینت بگذارم

ای کاش به دل فاطمه جان نور تو افتد

شعر من بی مایه به منظور تو افتد

از عشق تو ای فاطمه دل بر نتوانم

بی گوهر عشق تو دو عالم نِسْتانم

یا فاطمه امروز به عشق تو اسیریم

فردا همگان دامن وصل تو بگیریم

۱ تا ۱۰ ذی‌الحجه ۱۴۱۵

"۱۳۷۳ هجری شمسی"

حاجیه خانم معصومه طالبان

(اصفهان)

حدیث کسا

آمده ای شیعه چنین در خیر
سرور و سالار و امین عرب
ختم رسل؛ خاتم پیغمبران
آمده روزی زوفا؛ مصطفی
گفت سلام ای مه رخشان من
کی همه جسمند و یکی نور تو
فاطمه جان؛ در به رویم با زکن
تا به کنار تو کنم راحتی
چون که پدر زیر کسا آرمید
مست محبت که نوشیده جام
گوی که خورشید به ناز آمده
بعد زمانی؛ شه مهر و وفا
داد سلامی و پیامد حسن
عصمت حق؛ مادر او فاطمه
گفت به قربان تو این مادر است
رفت حسن خدمت او با سلام
گفت پیمبر؛ گل خندیده ام
پیش بفرمای مرا در کنار
بار دگر مزدهی رحمت رسید
گشت عیان فاطمه را نور عین
آمد و پرسید ز بعد از سلام
گفت فدای سرتو؛ جان من
هم حسن و جد تو در انتظار
وانگه علی آمد و کردی سلام
آمد و فرمود چنین با بتول
فاطمه فرمود در اینجا بلی
رفت علی؛ کرد سلام؛ اذن خواست
گفت نبی، سلسله افروز من
ای تو پسر عم و برادر مرا
هستی این ملک ز هست تو است
آنچه خداوند عنایت کند
یافت نجات ابدی یا علی

راوی آن دختر خیر البشر
آنکه بود هستی ما را سبب
طلعت روشنگر هفت آسمان
زد به درخانه عشق و صفا
روی تو آرام دل و جان من
وز همه هستی؛ همه منظوره تو
پهن کسا بهر من، آغاز کن
باشم و اندیشه کنم ساعتی
جلوه چنان کرد که چشمی ندید
چهره‌ی او گشته چو بیدری تمام
ماه، خَمَش، بهر نیاز آمده
وارث محراب علی؛ مجتبی
گفت رسد بوی خوشی سوی من
آنکه بود چشم امید همه
بوی خوش از مقدم پیغمبر است
و ان مه رخشنده‌ی والا مقام
ای حسنم؛ نور دل و دیده ام
تا که تو را بینم و گیرم قرار
سروردین؛ شافع امت رسید
سوم خورشید ولایت؛ حسین
به چه شمیمی است مرا بر مشام
رو که پیمبر شده مهمان من
تا تو رسی ای مه سیمین عذار
آن که بود بر همه امت امام
بوی لطیفی است چو بوی رسول
هست پدر زیر کسا یا علی
وانکه بلا فصل پس از مصطفی است
فاتح هر جبهه‌ی پیروز من
وارث محرابی و منبر مرا
پرچم اسلام به دست تو است
هم مرا از تو کفایت کند
هر که تو با شیش امام و ولی

آمد و بنشست کنار رسول
 گرم چو با هم شده آن چار تن
 گفت سلامم به گل رویتان
 فاطمه چون خواهش خود را برگفت
 گفت بفرمای؛ رسول خدا
 فاطمه آن بانوی کون و مکان
 دید چو پیغمبر حق؛ فاطمه
 شکر خدا گفت؛ رسول خدا
 گفت؛ رسول دو سرا این سخن
 کین همه چون روح روان منند
 ای که خداوند دل و جان تویی
 دوست این اهل مرا دوست دار
 کردنگاهی چو خداوند پاک
 دید چو آن پنج به روی عبا
 خلقت خود را چه برازنده دید
 گفت خداوند که عالم تمام
 آن همه عشاق مناجات ی اند
 کین همه بی هول و ولا با منند
 احمد محمودم و پیغمبرم
 فاطمه و همسر و فرزند او
 چونکه شنید این خبرش جبرئیل
 گفت خداوند به روح الامین
 قلب حبیب من از آن شاد کن
 گوی به آنها که خدای ودود
 تهنیت و مژده بسی دادتان
 مس وجود تو چو می زد عیار
 گفت شما قرب مرا مخرمید
 نام تو را احمد و یس کند
 روی تو با نور خود آمیخته
 ای به فدای نمک روی تو
 ای به تو از عالم هستی درود
 دولت فرزند تو پاینده است
 گر بکند کس به رهم کارزار
 هم نفس و مونس و یار رسول
 فاطمه آمد چو گل یاسمن
 اذن دهیدم، کنم اینجا مکان
 گل ز گل صورت احمد شکفت
 زانکه تویی با دل و جان آشنا
 شد سوی آن چار؛ چو روح روان
 گرد و جودش؛ رخ خوبان همه
 کین ز تو است؛ آنچه نمودی عطا
 هست یکی روح در این پنج تن
 اهل من و راحت جان منند
 حافظ این عترت و قرآن تویی دشمن
 اینان همه دشمن بدار
 جانب آن پنج تنش روی خاک
 شاد شد و گفت به خود؛ مرجبا
 پنج تنی چون مه تابنده دید
 خلق شد از برکت این پنج نام
 نی زمین اند؛ سماواتی اند
 دور ز وسواس و ز اهریمنند
 دختر او شافعی محشرم
 عالم هستی شده پابند او
 اذن گرفتی ز خدای جلیل
 مژده بپر؛ مژده بپر بر زمین
 اهل حریمش ز غم آزاد کن
 از همه ره عیب شما را زدود
 آیهی تظهير فرستادتان
 کرد تو را بر همه آموزگار
 چون گل بی خار همه عالمید
 خویش هم از خلق تو تحسین کند
 از نمک خویش؛ نمک ریخته
 غنچهی لبهای سخن گوی تو
 بهر تو کردند ملائک سجود
 چهره او روشن و تابنده است
 یا همه شب گریه کند زار زار

طاعت او هیچ نگردد قبول	بی گهر مهر علی و بتول
کی به وجودت، سروجانم فدا	بعد بفرمود چنین مرتضی
آنچه فضیلت دهد این انجمن	لطف بفرما و بگو بهر من
آنکه به پیغمبری ام برگزید	گفت پیمبر به خدای مجید
تا بزند دست بر این آستان	هر که بخواند همه این داستان
شامل او رحمت پروردگار	حاجت او را بدهد کردگار
وانکه به ما لطف کند دم به دم	گفت علی حق خدای حرم
شیعه ما گشت چنین رستگار	هست عنایت خدا، بی شمار
روی مکن جای دگر "طالبان"	از در این خانه و این خاندان

حاجیه خانم معصومه طالبان
(اصفهان)

تا جَمَع کسا ز امرِ خدا، پنج تن آمد

از خلیل مَلِکِ عَرَضِ به حَیِّ زَمَنِ آمد

ایشان چه کسانند که از خلوت آنان

در جلوه در آمد به تن خسته، ما جان

فرمود خدا فاطمه هست و پدر او

هم فاطمه و شوهر والا کُهِرِ او

هم فاطمه هست و حسن آن نور دو عینش

هم فاطمه هست و گل بی خار حُسینش

بر سجده سر خود بنمائید کسا را

از جلوه آنان بشناسید خدا را

از برکت این پنج تن پاک و مطهر

کردم ز عدم خلقت هستی همه یکسر

ژولیده نیشابوری

و یا

هوشیار باش که مرگ را چاره نیست

غافل مشو که عمر عزیزت دوباره نیست

ای که در پشت زمینی و خردامان هوشیار

دیگران در رحم و پشت پدرند

(حقیقی)

و یا

ای که پنجاه رفت و در خوابی

مگر این پنج روز را دریابی

(سعدی)

و یا

عمر می گذرد، خواهی، نخواهی

سعی بر آن کن نرود روبه تباهی

عمر کم است صفا، کن، رنج و غم رها کن

اگر نباشد دریا به قطره اکتفا کن

مطلب خود را طلب از سوی خدا کن

زانکه بُود رحمت او لایتناهی

(معین)

ویا

نام نیکی گر بماند ز آدمی

بِه از او مان سرای زرنگار

(سعدی)

اللهمَّ جَعَلْ عَوَاقِبَ و خَوَاتِمِ امورنا خيراً
اللهمَّ صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم

لامپ اضافه خاموش

مرشد شهر قمصر	گفت فراز منبر
هر که بگیرد یک زن	چراغی کرده روشن
یکی، یکی اضافه	تا چهار تا زن معافه
پای منبر خویش	بدید همسر خویش
از ترس آن ضعیفه	سرود این لطیفه

هرگز نشد فراموش

لامپ اضافی خاموش

حاج محمد علی فریبر (اصفهان)

عروسی حضرت علی (ع) با حضرت زهرا (س)

امشب شب عقد علی با حضرت زهراستی

امشب عروسی ولی با لاله حمراستی

پیوند الرحمن حق با کوثر معطاستی

باشد عروسش فاطمه داماد آن مولاستی

اهل سما خلق زمین

گویند امشب با علی

جشن شب دامادیت

بادا مبارک یا علی

جبریل نازل از سما گردید بهر مصطفی

آورده پیغام از خدا بر بهترین انبیا

بر این دوازده روز از این عقد را بستیم ما

تو در زمین انشاد کن بارد گراین خطبه را

این عقد عقد فاطمه

با ساقی کوثر بود

این وصلت فرخنده

حوریه با حیدر بود

بر آستان مرتضی جبریل دربانی کند

آدم خوش آمدگو بود حوا ثناخوانی کند

خنجر به کف دارد خلیل تاذیح و قربانی کند

تا با ید و بیضای خود موسی چراغانی کند

باشد طلا به دار آن
یوسف به حُسن سرمدی
داود با موت جلی
خواند ثنای احمدی

امشب پیمبر می دهد بر دست حیدر فاطمه

بود است از روزازل ناموس داور فاطمه

نازل شد از سوی خدا تطهیر و کوثر فاطمه

بر یازده گوهر بود آزاده مادر فاطمه

مولا به عشق دیدنش ساعت شماری می کند
در پشت در استاده و دل بیقراری می کند

یاران عروسی علی بر دوستانش شاد باد

پیوند زهرا و علی شاد و مبارکباد باد

یاران او در هر کجا از قید غم آزاد باد

دل های جمع شیعیان صبح و ماآباد باد

یاران محیا مجلس
زهرا و حیدر آماده
هم شربت و شیرینش
شعر فریدر آمده

«حاج محمد علی فریور اصفهانی»

مجلس عروسی

شکر الله که بود مجلس ما پر برکات

بهر هر یک بنویسند ملائک حسنات

بهر شادی دل تازه عروس و داماد

هدیه کن بر خَم ابروی محمد صلوات

دارم امید که داماد موید باشد

در ظِلّ تو جهات سرمد باشد

شادمان است بصد شور فراوان زیرا

چونکه او ریزه خور آل محمد باشد

یادم آمد که گفته است مرا استادی

چونکه در بزم عروسی تو قدم بنهادی

گر به خُضار اگر دوست شاه دامادی

کف بزن در دو دقیقه از برای شادی

این عروسی چه بدستور خدا و دین است

آن نگاهی که پیمبر پسندد این است

عروس خانم که خود پیرو زهرا باشد

دارم امید که خوشبخت و موید باشد

دارم امید خداوند به این شاه داماد

مال و فعنایت کند، نیک و زیاد

پسر و دختر نیکو دهد با دل شاد

همگی نیک سرشت و همگی نیک نهاد

شاه داماد ترا تاج تبارک بادا

این عروسی نیک بر تو مبارک بادا

همه گویند این جشن مبارک بادا

(نام داماد) جان به به این جشن مبارک بادا

تو هم برو تازه جوان زن بگیر

بقدر وسعت و توان زن بگیر

تا نشده قدت کمان، زن بگیر

بحکم خلاق جهان زن بگیر

خیز درین بزم صفا، کف بزن

برای این ماه لقاء کف بزن

از در شادی پدر، آ، کف بزن

تا که شوی کام روا کف بزن

تازه داماد ز احسان امشب

بده ۶ و ۲۰۰ یا ۵ و ۴۰۰ امشب

دارم امید که با همسر خویش

نشوی لحظه ای با قلب پریش

دارم امید که کند، لطف خدا

به تو و همسر خوب تو عطاء

صد عدد دختر، پنجاه پسر

هر یکی از دیگر باشند سر

آفرین بر پدر و زین پسرش

مرحبا بر پسر و آن مادرش

کف بزنی باز در این بزم سرور

تا صدایش برسد نیشابور

حاج آقا مرتضی ابریشم باف
(اصفهان)

گل اومده

به به چقدر گل آمده	سوسن و سنبل آمده	شب تکامل آمده
عروس خانم آمده	زیره کرمون آمده	تو کل حیرون آمده
آینه و شمعدون آمده	نقل و گلاب دون بیارید	آب توی ایون بریزید
غنچه، خندون بیارید.	سوسن و سنبل آمده	شب تکامل آمده

(حقیقی اصفهانی)

صلی علی دین محمد بفرست بر محمد و آل محمد صلوات،

محمد یا محمد یا محمد

عروسی، دو پیرو محمد ... محمد یا محمد یا محمد

اگر شادی اگر شادی اگر شاد بکن شکر خدای مستمندان

اگر داری تو حاجت از خداوند بگیر تو دامن آل محمد

محمد یا محمد یا محمد

عزیزانی که در این بزم عالی به دور هم گرفتند جشن شادی

بگو صل علی دین محمد سلام و صد سلام بر آل احمد

محمد یا محمد یا محمد

ای نو عروس ای نو ستاره که گشتی چون گل و چون ماه پاره
بگو از جان و دل، جانم محمد منم نوکر، منم چاکر برای آل احمد

محمد یا محمد یا محمد

حاج مرتضی ابریشم باف (اصفهان)

میلاذ علی بن موسی الرضا

مژده میلاذ رضا آمده است

مظهر لطف خدا آمده است

جلوه رحمت و عصمت چه خوش است

حاجت شیعه روا آمده است

همه گویند مبارک باد

بِهَـبَـه این عید مبارک باد

یثرب ای دوست گلستان بنگر

مُلکِ توحید چراغان بنگر

شهر عشق آینه بندان بنگر

که صفا روی صفا آمده است

همه گویند مبارک باد

بِهَـبَـه این عید مبارک باد

نجمه زین مژده سرافراز شده

گره از زندگیش باز شده

با گل فاطمه همراز شده

با ملائک به نوا آمده است

همه گویند مبارک باد

به به این عید مبارک باد

در جنان حضرت زهرا به سرور

همه حوران به دو صد شادی و شور

بهر تبرک پذیرد به حضور

خبر از باد صبا آمده است

همه گویند مبارک باد

به به این عید مبارک باد

حاج مرتضی ابریشم باف
(اصفهان)

ازدواج

ای جوان بشنو ز من فوری برو همسر بگیر

زن نمی خواهی بگیری لا اقل دختر بگیر

گفت پیغمبر بود واجب به امت ازدواج

زن بفرمان خدا و امر پیغمبر بگیر

نصف دینت میشود کامل کنی گر ازدواج

بهر اکملت لکم دین یک زن دیگر بگیر

زن برو از اصفهان اهواز و آبادان و شوش

یا ز اندیمشک یا دزفول یا شوستر بگیر

خرم آباد و جمین و هم خمینی شهر و خوی

رام شیر و رام هرمز رشت یا رامسر بگیر

بندر عباس و بهشهر و ز بندر انزلی

قصر شیرین و قم و قوچان و یا قمصر بگیر

یا ز برزان و ز ویلان و ز رهنان و سده

یا نجف آباد و نائین و نطنز همسر بگیر

القرض از کشور پهناور ایران زمین

در جهان آسودگی خواهی زن و دختر بگیر

از فریور بشنو این پند شکر آمیز را
تاتوانی در جوانی ای جوان همسر بگیر

حاج محمد علی فریور اصفهان

دین خدا نیست به جز راه راست

راه که کج شد، نه بسوی خداست

راه یکی، رهبر و مقصود یکی است

موسی و عیسی و محمد یکی است

حرف حق این است، بیا گنج مکن

راه خدا و خلق خدا گنج مکن

هر چه، نه ایمان و خداوندگی است

حاصل آن خفت و شرمندگی است

(محمد حسین شهریار)

صاحبدلی ز بازار آمده به مدرسه

بشکست عهد صحبت و اهل طریق را

گفتم میان عالم و بازار آمده به مدرسه

تا انتخاب کردی یکی زین طریق را

گفت آن گلیم خویش میبرد ز موج

وین حمد می کند که بگیرد غریق را

جاهل بروز فتنه ره خانه گم کند

عالم، روشن کند ره طریق را

(حقیقی)

ای دختر ایران زمین

خواهرم در خیابان، چهره آرایش مکن

از جوانان سلب آرامش مکن

گیسوان از روسری، بیرون مریز

در مسیر دیدگان، افسون مریز

خواهرم، دیگر تو کودک نیستی

فاش میگویم، عروسک نیستی

خواهرم، ای دختر ایران زمین

یک نظر عکس شهیدان را ببین

خواهرم، این لباس تنگ چیست؟

پوشش چسبانِ رنگارنگ چیست؟

خواهرم، این قَدَر طنزازی مکن

با امور شرع لجبازی مکن

در امور خویش سرگردان مشو

لایق چشمانِ نامردان مشو

(مجان اهل البیت عصمت و طهارت)

بمناسبت ولادت با سعادت صدیقه کبری حضرت زهرا علیها سلام»

ای بانوی بانوان عالم	ای مایه افتخار آدم
ای جوهره کمال و دانش	مفتاح کتاب آفرینش
ای دخت گرامی یمبر	ای همسر با وفای حیدر
ای اخترُ جرج آل عصمت	ای گوهر تابناک عفت
ای کوه وقار و بحرایمان	ای آمده، شأن توبه قرآن
ای مظهر شوکت و جلالت	ای فاطمه ای گل رسالت
ای معدن حلم و گنج حکمت	ایجاد ز تو گرفته علمت
ای در ثمین پاک زهرا	عالم همه قطره و تو دریا
تو نخبه عالم و جودی	تو نور حقیقت و شهودی
عالم غرض و تو اصل و ذاتی	سر لوحه دفتر حیاتی
من خادم در گهت «شهیرم»	در مانده و خسته و فقیرم
لطف و کرم و عنایتی کن	در حشر مرا شفاعتی کن

(حاج آقا مصطفی هادوی اصفهانی)

از خوانندگان گرامی این کتاب درخواست می‌شود، از میکروفن مجالس عقد و عروسی کمال استفاده را بنمایند و در این رابطه چنانچه گذشت، ضمن رعایت موازین شرعی (عدم موسیقی و عدم محیط مطرب) پیشنهاد می‌شود، بنوبت از افرادی که خاطره خوشی یا حکایتی آموزنده یا جُکهای اخلاقی دارند، برای دیگران بازگو کنند و هم مجلسی را بسمت شادی و نشاط سوق داده و هم جرعت و شجاعت بیان را در دیگران ایجاد کنند و بقیه خُضار با صلوات و دست زدن گوینده را تشویق کنند. که این رویه باعث می‌شود در موقع اذان، افراد با شوق و حلقوم خود اذان بگویند زیرا مؤذن در روز قیامت یک سر و گردن از نظر ثواب از دیگران بالاترند زیرا اعلان زمان رابطه مخلوق با خالق با اذان شروع می‌شود و کسی که از خدا بترسد از مخلوق خدا نمی‌ترسد، از طرف دیگر کسانی می‌ترسند که یا کم رو و خجالتی هستند یا خدای نکرده اهل معصیت و گناه و یا کم اطلاعاتند، بهمین دلایل آقا امیر المومنین علیه السلام بزرگترین گناه را ترس می‌دانند.

البته بی ادبی را با رو داری و پُر گفتن را با علم و فضل و ... نباید اشتباه کنیم.

شاد و موفق باشید و در برخوردهایتان با مومنین با لبخند و نشاط و صلوات بر محمد و آل محمد برخورد نمایید که لبخند به چهره مومن حسنه است و عبوس بودن و خشن بودن در مقابل مومن سیئه است.

«منفورتترین حلال»

(طلاق)

از بدو پیدایش انسان بر روی کره زمین همواره زنان و مردان، با تشکیل کانونی بنام خانواده، عمری را در کنار هم گذرانده و فرزندان را در دامان پرمهر و محبت خود پرورش داده و از این جهان رخت بر بسته اند.

در یک نگاه ظاهری متوجه می شویم که عناصر اصلی تشکیل دهنده خانواده، یک زن و یک مرد است که مطابق آداب و رسوم اجتماعی خویش با یکدیگر پیوند زناشویی بسته اند و بعد فرزند یا فرزندان بر جمع آنها افزوده شده است شاید بتوان در یک تقسیم بندی کلی زندگی انسان را بدو بخش اساسی تقسیم کرد. این دو بخش شامل دوران مجردی و دوران متأهلی است. متأهل کسی است که ضمن تعهد به شخص دیگر و پایبند پیوند خود و او در قبال آن شخص وظایف و حقوقی را بر عهده دارد.

ازدواج مرز جدا کننده مجردی از متأهلی است. در هر حال چه ازدواج را پیوند میان دو روح تلقی کنیم و چه آنرا صرفاً قراردادی اجتماعی بدانیم. دارای تأثیرات اساسی در زندگی فرد و اجتماع است. اساسی ترین و آشکارترین کارکردهای دیگری نیز بر آن مترتب است. طبیعی ترین شکل خانواده همین است که هیچ عاملی جز مرگ نتواند، پیوند زناشویی را بگسلد و میان زن و شوهر جدایی بیفکند. اگر ازدواج را قراردادی بین دو شخص برای زندگی مشترک بدانیم، این قرارداد، همواره دایم نیست و گاهی بنا به دلایلی فسخ می شود. جریان فسخ قرارداد و بین یک ازدواج را اصطلاحاً طلاق می گویند. هیچ دختری در آغاز زندگی و در پای سفره عقد تصور نمی کند که روزی مشکلات، چنان بر او غلبه کنند و شرایطی بر او تحمیل شود تا دادخواست طلاق داده به زندگی مشترکش پایان دهد. طلاق احساس باخت و بازنده بودن در ارتباط زناشویی است که دو طرف، برای رهایی از این احساس شوم، اقدام به جدایی می کنند، گاهی، تنها راه منطقی برای حل مشکل به نظر می رسد. آنچه دارای اهمیت است، نگرش متفاوت افراد جامعه، نسبت به این پدیده است.

طلاق دلایل گوناگونی دارد. این دلایل متناسب با موقعیت، طبقه و جایگاه اجتماعی زوجین متفاوت است. شناخت عوامل موثر در شکل گیری طلاق، در کنترل و کاهش آن نقش بسزایی خواهد داشت، تا جایی که بسیاری از طلاقها، از مشاجرات و نارضایتیها به دلیل اینکه گفت و گو انجام نمی شود و یا بد گفت و گو می کنیم (بی ادبانه و غیر منطقی و غیر شرعی) جاری می شود. هیچ مشکلی نیست که قابل حل نباشد در صورتی که منطقی باشیم و از گاه، کوه نسازیم و طرفین خود را در جای همسرش قرار ندهد نه اینکه تصور کنیم، هر چه ما می گوئیم صحیح است و دیگری اشتباه می کند؟! به گفته کارشناسان، ازدواجهایی که در آنها هماهنگی بیشتری میان زوجین وجود دارد موفق ترند و کمتر به طلاق می انجامد. تشابهاتی مانند طبقه اجتماعی، سطح تحصیلات، سطح هوشی، هم نژاد بودن، دین مشابه داشتن، هم زبان بودن و... یک ازدواج موفق را رقم می زند. ازدواجی که با تشابه نژادی، زبانی، روانی و اجتماعی صورت بگیرد ازدواجی موفقیت آمیز است. تفاوت طبقاتی یکی از عواملی است که با امکانات اجتماعی، معمولاً دیدگاههای مختلفی را بوجود می آورد. البته اگر دو نفر، آن اندازه از آگاهی لازم برخوردار باشند که این تفاوتها را به رسمیت بشناسند (و معتقد باشند همه خوبیها در شخصی کمتر جمع می شود و بی عیب خدای متعال است) ازدواجشان منعی ندارد.

طلاق بعنوان یکی از مهمترین پدیدههای حیاتی انسان است و می توان گفت کمتر پدیده اجتماعی به پیچیدگی طلاق وجود دارد. علل و عوامل طلاق متفاوتند این علل و عوامل یا در لایه های عمیق اجتماعی قرار دارند یا در لایه های ظاهری. اما باید توجه داشت که درک، فهم و تفسیر لایه های عمیق کار پیچیده است.

علل و عوامل تأثیرگذار در طلاق عبارتند از:

- ۱- عدم صداقت و راستگویی (مخفی کار و متظاهر بودن)
- ۲- چشم داشت به مال یا زیبایی.
- ۳- عدم تفاهم و توافق اخلاقی (تضاد عقیدتی).
- ۴- ناسازگاری و عدم سازش.
- ۵- بداخلاقی و بدرفتاری.
- ۶- خشونت (غر زدن، یا کتک زدن).
- ۷- سوء ظن.
- ۸- تفاوت و تضاد فکری در زندگی کردن.
- ۹- تفاوت‌های فرهنگی داشتن.
- ۱۰- ازدواج دوم.
- ۱۱- دخالت دیگران در زندگی زوجین.
- ۱۲- اختلاف سن زیاد داشتن زوجین.
- ۱۳- عدم علاقه بیکدیگر.
- ۱۴- بیماری روحی.
- ۱۵- بیکاری.
- ۱۶- عدم توافق در مسائل جنسی (زناشوئی).
- ۱۷- ازدواج اجباری.
- ۱۸- اعتیاد داشتن.

به تجربه آمار گرفته شده است، در میان طبقات مختلف اجتماعی (بالا، متوسط، پائین).

تفاوت‌های اساسی دو طبقه پائین جامعه، مهترین علت طلاق مشکلات مالی عنوان می‌شود. و بیکاری و ندادن نفقه، اعتیاد، خشونت و بد اخلاقی و بدرفتاری

در میان دو طبقه بالا، و متوسط شامل، عدم تفاهم و توافق اخلاقی است. در حالیکه در میان طبقه متوسط جامعه، تفاوت‌های فرهنگی مهمترین عامل است.

بهر حال از هر دسته و طبقه جامعه باشیم، زمانی که بخود واقعی (شخصیت حقیقی خودتان) صدمه وارد می‌شود و باعث پائین آمدن عزت نفس می‌شویم، آنموقع است که طلاق منفورترین حلال را بجان می‌خریم. زمانیکه ما به خودمان ضربه وارد می‌کنیم (اقتصادی و آبروئی) و تحمل اینکه خود واقعی فرد هیچ احساسی بطرف متقابل ندارد و تنها راه نجاتش را طلاق می‌داند. در حقیقت دوستی و مهر و محبت جای خود را به دشمنی و شقاوت داده.

از نظر روان شناسان فروپاشی یک خانواده یک رویداد ساده نیست، زیرا باید همه خاطرات و تجربیات نامطلوب زندگی از ذهن پاک شود و از بین برود تا فرد بتواند خود را با شرایط آتی زندگی هماهنگ سازد.

وقتی دوام زندگی دچار مشکل شود، اعتماد به نفس و آرامش انسان بخطر می‌افتد و همراه با این به خطر افتادن، اگر طلاق صورت نگیرد باعث نابودی خود یا همسر می‌شود. در حوادث روزنامه فرانسه قید شده بود که بعلت اینکه در فرانسه طلاق

خلاف قانون اجتماعی است نوعاً همسران به طرز مرموزی به قتل می‌رسند و حتی گرد سیانور از طریق زیر ناخن‌ها به بدن همسران وارد شده و آنان را به قتل می‌رسانند. (بنابراین طلاق در اسلام حکم شیر اطمینان را دارد).
 بشنوین نکته که خود راز غم آزادکن

خون خوری ، گر طلب روی نهاده کنی

آخر الامر گل گوزه گران خواهی شد

حالیبا فکر سبو کن که پراز باده کن

گر از آن آدمیانی که بهشتت هوس است

عیش با آدمی چند پری زاده کنی

تکیه برجای بزرگان نتوان زد بگزاف

مگر اسباب بزرگی همه آماده کنی

خاطرت کی رقم فیض پذیرد هیهات

مگراز نقش پراکنده ورق ساده کنی

کار خود گر بگرم باز گذاری حافظ

ای لب عیش که با بخت خدا داده کنی

ای حب، بندگی خواجه جلال الدین کنی

که جهان پرسمن و سوسن آزاده کنی

مهمترین عامل طلاق، توقعات نادرستی است که طرفین از یکدیگر دارند. و دیگر عامل در جامعه امروز بحران شخصیت است، همان بحرانی که سبب می شود بعضی از ازدواجها صورت گیرد، بحران تنهایی یا یک خلأ عاطفی، خلعی که باعث می شود در سن پائین، فرد تصمیم بگیرد با ازدواج این گره یا عقده را از هم بگسلد.

چنین افرادی که هنوز به بلوغ روانی کامل نرسیده و آگاهی لازم راجهت ازدواج ندارند، فقط برای اینکه تنهایی خود را پر کنند به سراغ ازدواج می روند.

این افراد، نه به مادیات و نه به ظواهر و ... به هیچ چیز توجه نمی کنند و تنها توجه آنها به تشکیل زندگی تازه و استقلال فردی در نتیجه جدا شدن از خانواده خود است. همین بحران شخصیت باعث می شود که فرد به هیچ کدام از تفاوت های فرهنگی و ... یا فرد مقابل توجه نکند، تا فقط به استقلال فردی دست یابد. بنابراین بحران شخصیت بطور غیرمستقیم، طلاق رانیز برای فرد رقم می زند.

ای کاش همه آنهائیکه با عجله بر سر سفره عقد می نشینند و یا از پله های محضر بالا می روند تا با عجله «بله» بگویند و اسمشان برود توی شناسنامه دیگری، قبل از همه آن امضاها سری به دادگاهها می زنند، و آدمها را نگاه می کردند. و می دیدند چنان عاشق و دلباخته ها، همچون لیلی و معجون در دادگاه سر همدیگر داد می زنند! و حيله ها و خدعه های یکدیگر را بر ملا می کنند که به چند مورد آن اشاره می کنم.

در مرحله اول دادگاه می ترسند که بگویند آمده اند دادگاه، فرقی نمی کند خواهان باشی یا خواننده اعتراف باینکه زندگی اشتباه بوده و به بن بست خوردی سخت است، اما کم کم راه می افتی. در واقع زمانی رسیده که بخود واقعی ما صدمه وارد شده و باعث پایین آمدن عزت نفس شده ایم. آن موقع است که طلاق، منفورترین حلال برایمان حکم داروی نجات بخش را دارد. زیرا تحمل زندگی برایمان سخت شده و هیچ احساس عاطفی بطرف مقابل نداشته و تنها راه نجات را در طلاق می بینیم. در صورتیکه با منطقی بودن و شنیدن راه کارهای بزرگان فامیل و گذشت و ایثار، طرفین، از خیلی از این طلاقها می توان جلوگیری کرد. قضاوت با شماست.

مصاحبه ۱: سن ۲۳ ساله ام و یک سال ونیم است ازدواج کردم، زنم فامیلم است، بخاطر اختلاف فامیلی، پدرزنم نمی گذارد زندگی کنیم، زنم را برده خانه اش و مجبورش کرده است مهریه اش را اجرا بگذارد، مهریه اش، پانصد سکه است می شود پنجاه میلیون من هم بیکارم هم اکنون دادگاه دارم. آمدم پرسم راهی هست زندان نروم یا نه؟ چرا اینقدر مهر کردی؟ نمی خواستم، پدر و مادرم اصرار کردند.

مصاحبه ۲: من ۳۱ ساله ام و دو بچه دارم، پسر اول راهنمایی است و دخترم دبستان، شوهرم معتاد است و هر روز دنبال یک زن. چرا این همه سال صبر کردی؟

از طلاق می ترسیدم، گفتم خوب می شود، اما بدتر شد.

مصاحبه ۳: شش ماه است عقد کردیم، اما خواهر شوهرم خیلی دخالت می کند، آمده ام، مهرم را اجرا بگذارم، بعد تقاضای طلاق کنم.

مهریه ات چقدر است؟

سیصد سکه

با شوهرت چگونه آشنا شدی؟

دوست خیابانی

مصاحبه ۴: سه سال است ازدواج کردم، یک بچه ۲ ساله دارم شوهرم دوهفته است، مرا خانه پدرم گذاشته و رفته، می خواهم مهرم را اجرا بگذارم تا مجبور شود برگردد.

شوهرت چیزی از خودش دارد؟

نه، هیچی.

چرا کار به اینجا کشید؟

اولش خوب بود، فروشنده لوازم یدکی بود.

پس چرا بعد از سه سال می خواهی جدا شوی؟

اولش عاشق بدم ولی بعد...

مصاحبه ۵: زخم مهرش را اجرا گذاشته و آدرس محل کارم را هم داده است، دیروز مأمور دادگاه آمد، محل کارم و آبرویم را برد، می خواهم برگردد، می توانم از دادگاه حکم بگیرم که نفقه می دهم و او برگردد.

زنت می تواند بگوید نفقه نمیخواهم، خانه ات هم نمی آیم، با زور که نمی توانی مجبورش کنی...

نقل است جوانی خدمت حضرت رسول اکرم رسید و از ایشان خواست که اسماء اعظم خداوند را به او یاد دهند، حضرت قبول کردند و گفتند مانعی ندارد، بشرط اینکه در کنار فلان پل رفته و آنچه مشایعت کردی بیائی و بازگو کنی. جوان قبول کرد و فردا صبح در کنار پل رفته، رفت و آمد مردم را نظاره می کرد تا اینکه پیرمردی را دید که بر دو طرف شاخه خود شاخه های درخت خرما را حمل می کند و در موقع گذر از پل به دونفر جوان برخورد کرد و شاخه ها به آنها اصابت کرد، فوراً پیرمرد حلالیت و معذرت خواهی کرد، ولی سودی نبخشید و آن دو جوان آن پیرمرد را کتک زدند و او و شاخه های خرمایش را از بالای پل به رودخانه انداختند، جوان نظاره گر اوضاع بود و دخالت نکرد، آن دو جوان رفتند و پیرمرد بهر زحمتی بود خود و شاخه های خرما را از آب نجات داد و آفتاب گرفت تا خشک شدند و مجدداً بار خود را بدون هیچ ناسزاگویی و ناشکری بدوش گرفت و رفت.

جوان خدمت پیامبر مراجعه کرد و شرح واقعه را گفت، حضرت از او پرسیدند اگر تو جای آن پیرمرد بودی چه می کردی در حالیکه اسم اعظم را هم در اختیار داشتی، جوان بدون معطلی گفت یک جوان را اینطرف پل و یک جوان را آنطرف پل سنگ می کردم. حضرت فرمودند، می دانی آن پیرمرد، همه اسماء اعظم الهی را حافظ بود ولی از آنها استفاده نکرد، بنابراین تو ظرفیت دانستن آنها نداری. (هر انسان رویه طبیعی و ژنتیک دارد که به آن شاکله می گویند، هنر و امتحان انسان در این است که اگر به کار خلاف و اخلاق ناپسند میل دارد علی رقم میلش کار خوب و اخلاق پسندیده را تمرین کند تا تعالی یابد)

خواننده محترم در امور زندگی هم انسان باید جنبه و ظرفیت داشته باشد نه اینکه در مرحله اول علم، یا مال یا مقام آنقدر تکبر ورزد که خدا را بنده نباشد و قص علی هذا... در مکتب شیعه ثروت کم، که احتیاجات انسان را برطرف کند و به دیگران محتاج نباشد و حلال و پاک باشد از مال شبه ناک و آلوده به حرام هر چقدر زیاد باشد افضل است. و صورت زیبا، در دنیا بواسطه والدین و خداوند متعال به تصویر کشیده شده است و صورت زیبای قیامت که از آنها نور انتشار دارد از اعمال و رفتار خود ما ایجاد می شود و خدای نکرده بعضاً که صورت خود را زشت و تاریک در دنیا به تصویر کشیده اند از دیگران خواهش می کنند، صورت خود را برگردانید تا ما هم جلو پایمان را ببینیم و آنها در جواب می گویند، شما در دنیا باید بفکر امروز می بودید و اجازه چنین کاری را نداریم. بنابراین بیائید قدر یکدیگر بدانید که ناگه ز یکدیگر نمایم.

متأسفانه ساختار آموزشی کشور، مناسبتش، درمورد آگاهی افرادی که می خواهند ازدواج کنند، کند است، لذا باید از مشاوره خانواده استفاده شود و با کمال تأثر و تأسف باید گفت مهمترین شالوده زندگی که ازدواج است نوعاً برپایه دروغ و خدعه و حيله و تجارت و... پایه گذاری می شود که این مقدمات در آینده ای نه چندان دور ناسازگاری ... را بدنبال خواهد داشت، در صورتیکه با صداقت و راستی و توانائیهای داماد، در مورد صداق، زندگی ها را محکمتر و شیرین تر خواهند کرد و امید به آینده و تلاش برای زندگی بهتر و فرصت فکر کردن به حرفهای منطقی همواره و راههای ناپسند را از انسان سلب می کند.

مضافاً به اینکه اگر چه طلاق آخرین راه حل است، ولی بهترین راه حل نیست زیرا احساس جدا شدن، تنهایی و منزوی شدن فرد، باعث سوء تعبیرها و در مورد افراد بی ایمان خودکشی را افزایش می دهد، این افراد از زندگی لذت نمی برند و احساس پوچی به ایشان دست داده و با خودمیگویند من برای چه زنده‌ام؟ حالا بر سر من چه می آید؟ از این پس چگونه باید زندگی کرد؟ و بمرور، فرد نسبت به جنس مخالف و در تعمیم آن نسبت بهمه افراد جامعه بدبین شده و ازطرفی دلسوزی بیش از حد اطرافیان، باعث می شود مشکلات روحی افراد مطلقه تشدید شده و جو، بی‌اعتمادی بوجود آید.

در مورد فرزندان طلاق وضعشان از والدینشان بهتر نیست و از روز جدایی پدر و مادر فرزندان دچار استرس و افسردگی می شوند لذا در مواردیکه به آخرین راه حل رسیده اید با مشاوره عمل کنید که ذهنیت منفی برای فرزندان طلاق ایجاد نشود و حتی الامکان آنان را با حقیقت آشنا کرده و به هیچوجه از آنان بعنوان خبرچینی و جاسوسی طرف مقابل استفاده نکنید و بهتر است به آنان تفهیم کنید ما همدیگر را درک نمی کردیم. و از یکدیگر توقعات نادرستی داشتیم و زمینه را برای زندگی آتی او که فارغ از تنش و استرس باشد، فراهم نمائید و امید به آینده را در ذهن فرزندان روشن نگهدارید، باشد که انشاء... پس از مدتی مجدداً رجوع حاصل شود و بر دهان نفس اماره لگام زده و دو نفر باعث خوشبختی یکدیگر شده و برای خوشبختی فرزندان ایثار کرده و بالاترین لذت را در ترک لذت (نفسانی) بدانید.

اگر لذت ترک لذت بدانی

دیگر لذت نفس لذت نخواهی

اگر از مطالب خوشتان آمده معلوم میشود که با بنده هم عقیده‌اید لذا برای همه چیز روزانه ۱۰۰ مرتبه صلوات با و عجل فرجهم بگوئید.

توصیه می شود، مقدسات و حریم الهی را مقدس شمرده و با پیروی از وساوس شیطانی آینده خود و دیگران را خراب نکنید، بخصوص در آخر الزمان که عمرها کوتاه و آروزها طولانی است. و با کمی عمر فرصت دویا چند بار تجربه در امور دنیا، بخصوص امر ازدواج وجود ندارد، دختر خانمی با پسر جوانی در خیابان یا پارک آشنا شده بودند و پس از اشاره و لبخند کار به ازدواج کشیده هنوز شش ماه از ازدواج آنها نگذشته بود که کنتاکت لفظی ایجاد شده و توقعات نامعقول که مرد با سوءظن می گوید شاید قبل از من تو با کس دیگری رفیق بوده‌ای، هر چه زن انکار می کرد، شوهر زیر بار نمی‌رفت و متأسفانه کار به طلاق و جدائی کشید.

تمام سرمایه زن حیاء و عفت اوست، لذا زمانیکه خود را آرایش کرده و برای خودنمائی و ارائه زیبایی به نامحرمان است، هیچ ارزش و قیمتی ندارند و چنین زنان همال شیطان هستند.

در روایات اسلامی آمده اگر زنی خود را خویش بو کند و از منزل خارج شود تا مراجعت او به منزل، فرشتگان او را لعنت می کنند. حال اگر کسی خود را برای غیر شوهرش تزئین نماید چه حکمی دارد؟!

الگوی خانم ها در زندگی حضرت خدیجه کبری و فاطمه زهرا و حضرت زینب و حضرت معصومه و... می باشند. و الگوی آقایان حضرت محمد بن عبد... و حضرت امیرالمومنین و ائمه اطهار و آقا ابوالفضل العباس نه فلان ستاره سینمائی هالیوود و اروپا که فرهنگ و اخلاق و مذهب آنان با مسلمین مغایرت دارد.

خلاصه اینکه انسان خود را به قرآن ارائه دهد اگر اعمال و رفتارش با قرآن مطابقت دارد خرسند باشد اگر چه دیگران او را بد، بدانند زیرا خداوند بنده مخلص خود را بین بندگانش مخفی کرده و استجاب دعا را بین دعاها و خشم و غضب خودش را بین گناهان بنابراین هیچ بنده ای را کوچک نشمارید و هیچ دعائی را کم نشمارید و هیچ گناهی را کوچک ندانید از طرف دیگر در این چند روز دنیا به آنچه سعی کرده ایم بدست آوریم و نتوانسته ایم یا حقدمان نبوده و یا مصلحت الهی یا خود ما نبوده امتحان می شویم.

و آبرو را در پُست و مقام و ثروت ندانیم بلکه عزت و آبرو را در ایمان، تقوا، علم و دانش، عقل و جهاد با نفس و نماز شب بدانیم و از کبر و حسد و حرص دوری کنیم که تکبر، شیطان را رانده کرد و حسد باعث شد قبیله برادش هابیل را بکشد و حرص باعث شد که آدم و حوا از بهشت خارج شوند.

توصیه ای دیگر به نسل جوان:

اگر می خواهید راهی را که اروپائیان بخصوص امریکا طی کرده تکرار نکنیم که زن را بعنوان عروسک و دکور زندگی و به ابزار تقلیل داده اند طی نکنیم بیاید از دستورات اسلام عزیز و سادگی و بی آلاچی صدر اسلام تبعیت کنیم.

روزی در مسجد پیامبر، خانمی پس از نماز ایستاد و گفت ای پیامبر خدا، من شوهر ندارم آیا کسی هست مرا به همسری خود درآورد، حضرت ختمی مرتبت اعلان کرد و یک نفر بلند شد، حضرت سوال کردند چه چیزی داری که صدق قرار دهی آن مرد گفت از مال دنیا هیچ فقط قرآنم حضرت فرمودند آیا حضری صدق این زن را خواندن قرآن قرار دهی؟ آن مرد گفت بله و آن زن هم قبول کرد و عقد جاری شد.

در اروپا و بیشتر در آمریکا دیگر ازدواج بطور رسمی برقرار نیست بطوریکه بیشتر ازدواجها بصورت دوستی برقرار می شود و هر کدام تمایل بفرزند دارند می توانند سفارش دهند و دیگر فرزند دنیا آمده ربطی به طرف مقابل ندارد. (سیر حیوانیت) در کشورهای دیگر اروپائی هم پسر یا دختر خانواده در سن ۱۶-۱۷ سالگی بایستی خانه پدری را ترک کند و خود تشکیل خانواده و زندگی دهد ولی در کشور عزیز اسلامی ما، چرا مهریه بعنوان حربه ای در دست زن در مواقع اختلاف بعنوان قهریه از آن استفاده می شود؟!

و شروع زندگی که باید با شادی و آرامش شروع شود و روز به روز بر شادی آن افزوده شود با یکسری تمهیدات و تشریفات و فشارهای روحی، روانی و مادی بر خانواده طرفین زمینه روابط آنقدر فشار ایجاد می کند که برای فرزندان دیگر چندان رقبتی نیست و بعضی مواقع حتی داماد یا عروس از انتظارات بی جا به ستوه آمده و زمینه استرس و بی مهری فراهم می شود. اگر استطاعت دارند یک میلیارد هم مهریه مانع ندارد ولی اگر تمکن نیست چرا؟!

ای نسل جوان: بیاید برای نجات خود و دیگران در دنیا و آخرت از دستورات دینی پیروی کنید، و دستورات خدا و پیامبر و ائمه را بر دیگران مقدم دارید تا زندگی به کام شما باشد و برکت به زندگیتان راه یا بد و هم خود و خانوادتان سالم و صالح و آسوده باشید.

در صورتیکه اگر با انسانیت که مقدمه اسلامیت است خداحافظی کنید، جامعه ای بمراتب بدتر و غم انگیزتر از اروپائیان خواهید داشت.

**قبل از ازدواج خوب چشمهای
خود را باز کنید
و بعد از ازدواج کمی چشمهای
خود را ببندید.**

نکته ها

«توکل ابراهیم»

چون بت پرستان، حضرت ابراهیم خلیل (ع) را به جرم شکستن بت ها، در منجق گذاشتند و از راه هوا او را به دریای آتش پرتاب کردند، در میان آسمان و زمین، فرشته مقرب پروردگار در مقابل حضرتش پدیدار شد و پرسید: یا خلیل الله! چه حاجتی داری که بی درنگ آن را برایت انجام دهم؟

ابراهیم در پاسخ گفت: من از تو حاجتی ندارم! نیازم تنها به خداوند بی نیاز است و رازم از او پنهان و پوشیده نیست! او خود می داند که با بنده حاجتمند خویش چه کند، پس به فرمان خدا، آتش سوزان، تبدیل به گل و ریحان و برد و سلام شد.

نشان از بی نشان ها، ج ۱، ص ۱۳۴

«ناله گوسفند به درگاه خداوند»

یعقوب (ع) مناجات کرد- پس از آنکه یوسف (ع) را بازیافته بود- که الهی این بلا که بر من آمد، به چه سبب آمد؟ جواب آمد که ای یعقوب، فلان وقت تو را مهمانی رسید و در خانه تو گوسفندی بود با بچه ای کوچک. بچه را در پیش مادر بکشتی و بریان کردی و در پیش مهمان نهادی. دل آن مادر بریان گشت، به ما نالید، ما دل تو را به فراق فرزند بسوخیم تا بدانی که درد فرزند چگونه باشد.

«پشتوانه یوسف»

برادران یوسف وقتی می خواستند یوسف را به چاه بیفکنند، یوسف لبخندی زد! یهودا، یکی از برادران، پرسید: چرا خندیدی؟ این جا که جای خنده نیست!

یوسف گفت: روزی در فکر بودم چگونه کسی می تواند به من اظهار دشمنی کند، با این که برادران نیرومندی دارم! اینک خداوند همین برادران را بر من مسلط کرد، تا بدانم که نباید به هیچ بنده ای به غیر خدا تکیه کنم.

داستان ها و پندها، ج ۹، ص ۶۹

«سعادت»

رسول اکرم (ص) فرمودند:

چهار چیز از سعادت است:

۱- زن صالحه ۲- خانه بزرگ

۳- همسایه شایسته ۴- مرکب نیکو

«سفارش نیکی به زنان»

رسول خدا (ص) فرمود:

برادرم جبرئیل (ع) به من خبر داد و همواره سفارش زنان را می نمود تا آن جا که من گمان می کردم برای شوهر جایز نیست که به زنش اُف بگوید. شما زنان را به عنوان امانت خدای گرفته اید.

«چهره‌ای چون ماه شب چهارده»

امام محمد باقر (ع) می فرماید:

هر کس به جهت حفظ آبروی خود از مردم چیزی نطلبد و نیز کوشش برای تامین خانواده خویش و برای آنکه بتواند به همسایه خود احسان نماید، به کسب مال و مواهب مادی دنیا پردازد، در قیامت خدا را ملاقات می کند در حالی که چهره‌اش چون ماه شب چهاردهم درخشانده و نورانی است.

وسائل الشیعه، جلد ۱۲، ص ۱۱، باب ۴، حدیث ۵

«به زن محبت را اظهار کنید»

امام صادق (ع) فرمود از رسول خدا روایت شده، ابدأ سخن مرد، به زن که من تو را دوست دارم هرگز از دل زن بیرون نمی رود.

«لذت»

کسی که یک لذت همیشگی را به لذت آنی و کوتاه بفروشد، بسیار زیان کار است. وقتی لذات جسمانی کم می شود، اشتیاق به صحبت‌های خوب زیاد می شود.

افلاطون

«از مادر مهربان تر»

رسول اکرم (ص) در یکی از سفرهایش به زنی که در حال پختن نان بود و کودکی را با خود حمل می کرد برخورد نمود. آن زن نزد حضرت آمد و گفت: ای رسول خدا! به من خبر رسیده که شما فرموده اید: خداوند نسبت به بنده اش از مادر نسبت به فرزندش مهربان تر است. حضرت فرمود: آری چنین است که می گویی. زن گفت: مادر، هرگز حاضر نمی شود فرزندش را در این تنوز بیندازد! رسول خدا (ص) گریست و فرمود: خداوند به آتش عذاب نمی کند؛ مگر کسی را که توحید را نپذیرد.

داستان های کشف الاسرار، ص ۳۰۲

«جایگاه»

در خبر است که آن شب که رسول خدا (ص) را به معراج بردند، زنی را که در دنیا جز به معصیت مشغول نبود، در فردوس اعلی به نام آن زن در درجات دید. گفت: خداوند! به چه خدمت به این پایگه رسید؟ گفت: روزی سگی را دید تشنه بر کنار چاهی بیفتاده و چاه را نه دلو بسته بودند و نه ریسمان. کفش خویش از پای بکند و چادر در آن بست و آب برکشید و آن سگ را سیراب کرد. ما آن حال بر وی بگردانیدیم و به نام وی در علین درجات بر آراستیم.

«لقمه نان و لقمه جان»

حضرت رضا (ع) فرمود: در بنی اسرائیل، سالیان پی در پی قحطی شدید پدید آمد. زنی که لقمه نانی داشت، آن را در دهان گذاشت. سائلی او را صدا زد، زن گفت: در چنین وقتی بیخشم، پس لقمه را از دهان بیرون آورد و به سائل داد. ناگهان بچه کوچکی آن زن در بیابان، مورد حمله گرگ قرار گرفت و گرگ، بچه را به دهان گرفت و فرار کرد. مادر به دنبال گرگ می دوید و فریاد می زد.

پروردگار، جبرئیل را فرستاد و او بچه را از دهان گرگ گرفت و به مادر تحویل و داد و فرمود: یا اَمَّةُ الله! آیا خشنود شدی؟ این لقمه به جای آن لقمه!

داستان های موضوعی

«به یاد ماندنی ترین لحظات زندگی»

یکی از بهترین و به یادماندنی ترین لحظات زندگی هر پدر و مادری تولد اولین فرزندشان است، حال چه فرزندشان دختر باشد و چه پسر. آنها این لحظه شیرین را همیشه به خاطر می سپارند. کودکان چراغ خانه اند و با حضور آنها زندگی لذت بخش تر می شود. پس خوب است قدر فرزند که یکی از باقی الصالحات است را بهتر بدانیم که پیامبر اکرم (ص) فرموده اند: فرزند صالح، گلی از گلهای بهشت است.

«نصیحتی از شیطان»

روزی شیطان به حضرت موسی (ع) گفت: ای موسی هرگز با زنی که حلال تو نیست در یک جا خلوت نکن زیرا هر مرد و زنی غیر از حلال خود با یکدیگر خلوت کنند، به هر منظوری و برای هر کاری که عادی و مباح و غیره باشد، من (شیطان) سومی آنها خواهم بود.

«تو بهتر می فهمی یا پیامبر»

نقل است: پیامبر به جوانی که مادر پیر خود را در سبیدی گذاشته و بر سرش حمل می کرد برخورد کرد، پس از مبادله سلام، پیامبر فرمود، آفرین بر تو جوان که به نگهداری مادرت اهتمام داری، اگر می شد برایش شوهری دست و پا میکردی، بهتر بود، جوان گفت یا پیامبر مادرم دیگر پیر شده، که مادر بلافاصله گفت، ساکت شو پسر. تو بهتر می فهمی یا پیامبر!

«بی سواد دانا»

می گویند وقتی یک خارجی به دهی رفته بود در آنجا با یک دهاتی روبرو می شود. هر سوالی از او می کند روستایی جوابهای نغز و پخته ای به او می دهد. خارجی می گوید تو اینها را از کجا می دانی؟ جواب می شنود که: ما چون سواد نداریم، زیاد فکر می کنیم.

«چند ضرب المثل زنانه»

وقتی زن خوبی در خانه باشد، از در و دیوار خوشی می بارد (هلندیها)

بدون زن، خانه جای شیطان است. (هندیها)

زن بلاست ولی هیچ خانه ای بی بلا نباشد (ایرانیها)

«ظالم مظلوم نما»

شعبی گوید: روزی به مجلس شریح قاضی حاضر بودم. زنی گریان درآمد که با شوهر خویش خصومت داشت. گفتم: این زن به یقین ستمدیده است.

شریح گفت: برادران یوسف نیز گریان پیش پدر آمدند، ولی ظالم بودند!

«جواب کردن میهمان»

خانمی به دوستش می گفت:

پرروز مجبور شدم یکی از میهمانهایم را جواب کنم، از بس حکایات زشت و رکیک می گفت.

- خیلی کار خوبی کردی عزیزم!

- بله، منتها همه میهمانان من نیز با او رفتند، چون می خواستند ببینند آخر داستانی که او می گفت به کجا می رسید!

«حکایت»

روزی واعظی بالای منبر گفت: هر کس از دست زن خود راضی نیست از جای خود برخیزد همه برخاستند مگر یک نفر. واعظ گفت: الحمدلله یک نفر را دیدم که از دست زن راضی است. در این لحظه آن شخص با صدای بلند گفت: زن من با چوب پاهایم را شکسته است. لذا نمی توانم برخیزم و گرنه من پیش از همه بر می خاستم.

آورده اند که:

زنی زشت روی نزد طیبی ظریف رفت واحوال خود بیان نمود که مرا اغلب اوقات غثیان می شود و می خواهم قی کنم و به این سبب اشتهای غذا ندارم.

طیب گفت: علاج این است که در آینه نظر نکنی و روی خود نبینی!

«آتش بدن سه کس را نسوزاند»

۱- زنی که به فرمان شوهر باشد.

۲- زنی که به هنگام سختی و گرفتاری شوهر صبر کند.

۳- کسی که به پدر و مادرش نیکی کند. (نصایح)

اگوست:

شرم برای زن زیبایی و برای مرد فضیلت است.

«بدبختی»

بدبختی همیشه محصول غلط اندیشی ماست، ریشه حوادث و اتفاقات در خودمان نهفته است، حوادث محصول بذرهایی است که ما پاشیده ایم.

همه می‌توانند بدبختی را تحمل کنند، اگر می‌خواهید اخلاق کسی را بیازمایید، به او قدرت بدهید.

ابراهام لینکلن

«اخلاق»

وقتی که ثروت از دست برود چیزی از دست نرفته است. وقتی که سلامتی از دست برود چیزی از دست رفته است، ولی وقتی که اخلاق از دست برود همه چیز از دست رفته است.

ناشناس

تکمیل فضایل اخلاقی اگر یگانه هدف تعلیم و تربیت نباشد لااقل بزرگترین هدف آن است.

اوشیا

«هنر و زیبایی»

نابینا کسی نیست که نتواند ببیند، یا نتواند بخواند و بنویسد، بلکه کسی است که زیبایی را نشناسد.

طه. حسین

هنرمند باید هنر را آشکار و خود را پنهان بدارد. این است هدف هنر.

اسکار وایلد

«تاثیر نادانی پدر در فرزند»

مردمی از دهی می‌گذشت، ناگهان بوی بدی به بینی‌اش رسید. از جوانی پرسید: این بوی بد از کجاست؟ جوان پاسخ داد: در همین نزدیکی، خری عمرش را به شما داده و این بو، از آن حیوان مرده می‌باشد. مرد، ناراحت شد و در راه به مردی سالخورده رسید و گفت: چرا مردم این ده، این اندازه بی‌تربیت هستند؟ پیرمرد پرسید: چرا؟ آن مرد، جریان گفتگوش را با آن پسر نقل کرد. پیرمرد گفت: عجب! خیلی باید ببخشید، آن جوان، پسر من است و متوجه حرف زدن خود نشده است، چون هزار بار به او گفته‌ام که همه خرها را به یک چوب مران! باز به شما جسارت کرده است.

حکایت‌های تربیتی، ج ۲، ص ۸۰

«مراقبت از کودک»

فرزند مردی، گم شد. منادی در پی منادی به کوی و برزن فرستاد و هر ساعت مژده یا بنده را اضافه می‌کرد تا در نزدیک غروب حق بشارت را به صد میلیون تومان رسانید. آنکه کودک را یافته بود، گمان کرد که هرچه در دادن طفل دیر کند، جزا بیشتر یابد، چون صبح شد اثری از منادیان ندید. ناچار خود نزد پدر کودک آمده و مطالبه صد میلیون تومان مژدگانی را کرد. پدر گفت: صد میلیون تومان را می‌دادم که بچه‌ام یک شب بیرون نخوابد، حال که یک شب بیرون خوابیده و معلوم نیست پیش چه کسی بوده و چه غذایی خورده و چه کاری انجام داده دیگر آن بچه به درد من نمی‌خورد.

مثل آباد، ج ۲، ص ۱۱۸

«نفرین»

دهقانی از عامل به حاکم شکایت برد. حاکم، عامل را نفرین می کرد. دهقان را خشم آمد و نومید، راه در گرفت. حاکم گفت: کجا می رودی؟
گفت: نزد ننه ام! زیرا او بهتر از تو نفرین می کند.

آفتها

هر چیزی را آفتی است که اگر در دفع آفت سعی نکنیم، باعث نابودی آن خوبی است.

- ۱- به خود بالیدن، آفت حَسَب و نسب است. (رسول اکرم (ص))
- ۲- آفت زندگی، بی برنامه‌گی است. (امام علی ع)
- ۳- آفت سخن، پر حرفی و طول دادن آن است. (امام علی ع)
- ۴- آفت بخشش، منت گذاشتن است. (امام علی ع)
- ۵- آفت کار، دلبستگی نداشتن به آن است. (امام رضا ع)
- ۶- آفت علم، عمل نکردن به آن است. (امام علی ع)
- ۷- آفت ثروت، بی بهره بودن صاحب مال و وابستگی آن است. (معصوم ع)
- ۸- آفت شجاعت، ستم کردن بر ضعیف و مظلوم است. (ناشناس)
- ۹- آفت دین، ریاکاری و دروغگوئی است.
- ۱۰- آفت زیبایی، بی عفتی است. (ناشناس)
- ۱۱- آفت حکومت، بی عدالتی است. (ناشناس)
- ۱۲- آفت فرزند، ناخلف و بی تقوا بودن است. (ناشناس)
- ۱۳- آفت عمر، بی توشه بودن است. (ناشناس)
- ۱۴- آفت ولایت، عمل نکردن به دستورات ائمه اطهار و به محبت آنان دلخوش بودن.
- ۱۵- آفت قدرت، ستم به زیر دستان است.
- ۱۶- آفت تقوی، ریاکاری است.
- ۱۷- آفت نعمت‌ها، ناسپاسی است.
- ۱۸- آفت مملکت، رباخواری، زنا، مشروب (رمز یا رزم) است.
- ۱۹- آفت شکم، پرخوری است.
- ۲۰- آفت جوانی، پیری است.
- ۲۱- آفت عمر، جهنم است.
- ۲۲- آفت موفقیت، تنبلی است.
- ۲۳- آفت کار، بی علاقه‌گی و بدکاری است.
- ۲۴- آفت پرخوری، کسالت است.

۲۵- آفت زبان الی ماشا... است.

«نکته ها»

جایگاههای خانواده عروس و داماد در زمان (قدیم) و جدید.

پدر شوهر = رئیس مصلحت خانواده (پدر دوم عروس)

پدر زن = رئیس مجلس خانواده (پدر دوم داماد)

مادر زن = وزیر جنگ خانواده (مادر دوم داماد)

مادر شوهر = وزیر امکانات خانواده (مادر دوم عروس)

خواهر شوهر = وزیر بازرسی امکانات خانواده (خواهر عروس و داماد)

خواهر زن = وزیر اغتشاشات خانواده (خواهر عروس)

بقیه اعضای خانواده = کارمندان خانواده (اگر خوب باشند نور چشم و اگر بد باشند دسته خنجر یزید)

خطبه بدون نقطه حضرت علی (علیه السلام)

در خواستگاری پیامبر علیه السلام

أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الْمَلِكِ الْمُحْمَدِ الْمَلِكِ الْوَدُودِ، مُصَوِّرِ كُلِّ مَوْلُودٍ وَمَالِ كُلِّ مَطْرُودٍ. سَاطِحِ الْإِمْهَادِ وَمُوَطِّدِ الْأَطْوَادِ وَمُرْسِلِ الْأَمْطَارِ وَمُسَهِّلِ الْأَوْطَارِ، عَالِمِ الْأَسْرَارِ وَمُدْرِكِهَا وَمُدَمِّرِ الْأَمْلَاقِ وَمُهْلِكِهَا وَمُكَوِّرِ الدُّهُورِ وَمُكِرِّرِهَا وَمُورِدِ الْأُمُورِ وَمُصَدِّرِهَا، عَمَّ سَمَاحَتُهُ وَكَمُلَ رُكَاةُهُ وَهَمَلَ وَطَاوَعَ السُّؤَالَ وَالْأَمَلَ وَأَوْسَعَ الرَّمْلَ وَأَرْمَلَ.

أَحْمَدُهُ حَمْدًا مَمْدُودًا مَدَاهُ وَأَوْحَدُهُ كَمَا وَحَدَّ الْأَوَاءُ، وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِلْأُمَّمِ سِوَاهُ وَلَا صَادِعَ لِمَاعِدَلَهُ وَسِوَاهُ. أَرْسَلَ مُحَمَّدًا عِلْمًا لِلْإِسْلَامِ وَإِمَامًا لِلْحُكْمِ، مُسَدِّدًا لِلرَّعَاعِ وَمُعْطِلًا أَحْكَامِ وَدَّ وَسُوعِ، أَعْلَمَ وَعَلَّمَ وَحَكَّمَ وَأَحْكَمَ وَأَصَّلَ الْأُصُولَ وَمَهَّدَ وَأَكَّدَ الْوَعُودَ وَأَوْعَدَ، وَأَوْصَلَ اللَّهُ لَهُ الْإِكْرَامَ وَأَوْدَعَ رُوحَةَ السَّلَامِ وَرَجِمَ آلَهُ وَأَهْلَهُ الْكِرَامَ، مَا لَمَعَ رِثَالٌ وَمَلَعَ رِالٌ وَطَلَعَ هَيْلَالٌ وَسَمِعَ إِهْلَالَ.

إِعْمَلُوا - رَعَاكُمْ اللَّهُ - أَصْلَحِ الْأَعْمَالِ وَاسْتَلْكُوا مَسَالِكَ الْحَلَالِ وَاطْرَحُوا الْحَرَامَ وَدَعُوهُ وَاسْمَعُوا أَمْرَ اللَّهِ وَعَوْهُ وَصَلُوا الْأَرْحَامَ وَرَاعَوْهَا وَعَاصُوا الْأَهْوَاءَ وَأَرَدَعَوْهَا وَصَاهِرُوا أَهْلَ الصَّلَاحِ وَالْوَرَعِ وَصَارِمُوا رَهْطَ اللَّهْوِ وَالطَّمَعِ وَمُصَاهِرُكُمْ أَطْهَرُ الْأَخْرَارِ مَوْلِدًا وَأَسْرَاهُمْ سُودْدًا وَأَخْلَاهُمْ مَوْرِدًا وَهَا؛ هُوَ أَمَّكُمْ وَحَلَّ حَرَمَكُمْ مُمْلِكًا عَرُوسَكُمْ الْمُكْرَمَةَ وَمَاهَرَ لَهَا كَمَا مَهَرَ رَسُولُ اللَّهِ أُمَّ سَلَمَةَ وَهُوَ أَكْرَمُ صِبْهِهِ أَوْدَعَ الْأَوْلَادَ وَمَلِكٌ مَا أَرَادَ وَمَا سَهَا مُمْلِكُهُ وَلَا وَهَيْمَ وَلَا وَكَيْسَ مُلَاحِظُهُ وَلَا وَصِيمَ. أَسْأَلُ اللَّهَ لَكُمْ إِحْمَادَ وَصَالِهِ وَدَوَامَ إِسْعَادِهِ وَالْهَمَّ كُلَّ إِصْلَاحِ حَالِهِ وَالْإِعْدَادَ لِمَالِهِ وَمَعَادِهِ، وَلَهُ الْحَمْدُ السَّرْمَدُ وَالْمَدْحُ لِرَسُولِهِ أَحْمَدَ.

سپاس از آن خداوندی است که پادشاهی ستوده و مالکی پر مهر، صورت گر هر مولود و پناهگاه هر مطرودی است. گستراننده بستر زمین و استوار کننده کوهها و فرو فرستنده بارانها و آسان کننده نیازها (و آرزوها) است.

دانا و آگاه به همه رازها و درهم کوبنده پادشاهان و نابود کننده آنهاست. در هم پیچنده (و پایان بخش) روزگاران و برگرداننده آنهاست. اوست که هر چیز را وارد دور می نماید و از دور خارجش می گرداند. عطایش همه چیز را فرا گرفته و ابر سخایش کمال یافته و فروباریده و خواسته ها و آرزو (های بندگان) را برآورده است و (به حکمتش) ریگزارها را گسترده و به ریگ آراست.

ستایش می کنم او را، ستایشی که امتدادش بلند (و بی انتها) است؛ و یگانه‌اش می شمارم بدان گونه که (پیامبر) پر تضرع و ابتهاج یگانه‌اش می شمرد و اوست خداوندی که امت‌ها را خدایی جز او نیست. آنچه که او استوار و مرتب نمود کسی نیست که درهم ریزد.

محمد (ص) را - به عنوان نشانه هدایت اسلام و پیشوای زمان داران (و پیشوایان)، و اصلاح گر توده‌ها و تعطیل کننده احکام (و رسوم بت‌هایی چون) وَدّ و سُواع - فرستاد. او (نیز تعالیم رسالت را) ابلاغ نمود و تعلیم فرمود (هر حکمی که لازم به بیان بود بدان) حکم نمود و (مبانی را) محکم ساخت؛ و اصول اساسی را پایه گذارد و زمینه های (علمی اش را) مهیا ساخت، و بر وعده ها (ی بشارت) تاکید ورزید و انذار و بیم داد.

خداوند، اکرام (خویش) را برای او پیوسته سازد و سلام (و درود) را ملازم روانش گرداند و آل و اهل بیت بزرگوارش را رحمت عطا کند، تا وقتی که کواکب می درخشند و بچه شترمرغ می دود و ماه طلوع می کند و بانگی به گوش می رسد. خداوند حفظتان کند. شایسته ترین اعمال را انجام دهید، و به مسیرهای حلال روید، و حرام را کنار افکنید و ترک گوید، به فرمان خدا گوش فرا دهید و آن را به خاطر بسپارید، پیوند با خویشان را محکم نمایید و مراعاتشان نمایید، و با هوس ها مخالفت ورزید و آنها را از خود دور کنید.

با اهل درستی و تقوا وصلت نمایید و از اهل لهو و آز بُرید. این کسی که در پی وصلت با شماست از پاکزاده ترین آزادگان و شریف ترین آنان، و شیرین (و محبوب ترین) آنان در (تبار و) خواست‌گاہ است.

آگاه باشید؛ که او اینک آهنگ شما را نموده، به حریم شما وارد گشته تا عروس گرامی (از تبار) شما را بگیرد و مهریه اش را همان مهری قرار می دهد که رسول خدا، برای (همسرش) ام سلمه قرار داده است، با اینکه این بزرگوار بهترین دامادی بود که فرزندان را به ودیعه نهاد و آنچه را که خواست به دست آورد (و کسی از وصلتش امتناع نمی کرد). و هر که به او همسر داد، دچار سهو و اشتباه نشد و بر آن که با او پیوند نمود خرده‌ای گرفته نشد و خسارتی ندید.

از خداوند برایتان مسالت می کنم که پیوندتان را ستوده گرداند و امدادش را به شما معدوم کند و به هر یک را آن چه مایع صلاح کار و آمادگی برای سرانجام و معاد اوست الهام نماید. و ستایش همیشگی مخصوص آن ذات (یکتا) است و مدح و ثنا از آن رسول او احمد.

«توفیق خدمت»

زدرگاه خداوند، توفیق خدمت خواستم هاتفی گفتا به پنهانی، چه توفیقی از این بهتر که خلقی را مَرّنجانی، بخندانی.

بزم شادی مجلس عروسی

مجلس شادی ما از بزم شاهان بهتر است

آری آری بزم شاهان کی چنین جان پرواز است

هر طرف بنگر عزیزان و رفیقان شادمان

جامه فاخر یکایک راز شادی در بر است

دسته از اهل ایمان مجتمع غرق سرور

خنده بر لب، کف زنان، هر یک ز لطف داور است

(قادری)

مجلسی بهتر از این مجلس کجا پیدا می شود

هر چه من تعریف بنمایم از آن بالاتر است

ظل تأییدات و لطف حضرت صاحب زمان

این مصافِ باشکوه و جاه و اجلال و فر است

النکاح سنتی فرمود ختم المرسلین (صلی الله علیه وآله)

گوی صلواتی که اجرا سنت پیغمبر است

خاصه روز جمعه و عید محمد (صلی علیه وآله) باشدی

خود مبارک این چنین جشن مسرت آور است

چون در این مجلس نباشد ساز و رقص و موسیقی

مورد لطف و لیعصر خود این محضر است

از دو فامیل عزیز این جشن بر پا گشته است

بر همه تبریک گو از جان و دل این چاکر است

(سید محمد حسین مداح)

نوعروس وتازه دامادند چون خورشید و ماه

جاودان این عهد و پیمان تا بروز آخر است

بهر کوری حسودان جمله کف محکم زنید

زانکه دشمن از غم و اندوه اندر آذر است

بیشتر از جمله، شد داماد خوشحالی کند

شام دامادی کجا از صبح شاهی کمتر است

دستهای گل به پیش روی او بنهاده اند

خوش نظر کن بین که این داماد از گل بهتر است

آفرین بر این چنین فرزند کز دار نیک

باعث فخر پدر، هم افتخار مادر است

نوعروس با وقار وعصمتش در وجد و شوق

فخر او بر بانوان بسیار، از این شوهر است

شاه داماد از همه اکنون پذیرایی کند

خیر مقدم گو، همی هر کَهر است و مهتر است

از چه بیکارید، ای خُضار در این بزمِ سوز

هر که چیزی میل نماید کُله رفته سراسر است

(سید محمد حسین مداح)

مژده دیگر هم تا قلبتان روشن شود

از برای میهمانان شام امشب حاضر است

مرحبا صد آفرین (قاری) به این اشعار نو

لیک برگو آن سخن را کان کلام حاضر است

از هزار و تراول کمتر مگیر انعام خود

بیشتر هر چه صله بدهند ما را خوشتر است

(سید محمد حسین مداح)

برای مجلس جشن عروسی مذهبی

ز لطف وجود خداوند مهربان امشب

چو خوش باشد، جشنی ز دوستان امشب

بهر طرف که نظر می کنم همی بینم

در این مکان شور احباب شادمان امشب

بود چو مذهبی این جشن خوش مبارک باد

وَإِنْ يَكَادُ زَقْرَانُ كَنُونِ بَخْوَانِ امشَبِ

نظر به مجلس ما صاحب الزمان دارد

که ساز و رقص نباشد در این مکان امشب

نکاح سنت دین محمد (صلی الله علیه و آله) عربی است

بگو بر آن شه صلوات بیکران امشب

چو خوش نشسته بر تخت نشاط شه داماد

ز وصل همسر خود گشته کامران امشب

ز دوستان گرامی کند پذیرائی

شکر او بنماید بصد زبان امشب

دو ساق دوش یمین و یسار چون دو وزیر

چو شاه باشد داماد در میان امشب

به وجد تازه عروسش به پرده عصمت

بس افتخار کند نزد بانوان امشب

ز صبح شاهی، شام زفاف کمتر نیست

که می شوند سِرِّ و مهر هم قرآن امشب

امیدوارم تا یارشان خدا باشد

عطا کند پسر، بر این دو نوجوان امشب

به شادمانی داماد و افتخار عروس

خوش است تا همه گر دید کف زنان امشب

ز بعد کف زدن از کل کشید هُورا، را

که شاد باش رود تا به آسمان امشب

ز چای و شربت مکن میل گر که خسته شدی

کنید میوه و شیرینی، نوش جان امشب

برای شام بمانید جمله مهمانان

چلو کباب در این جاست رایگان امشب

ز قول خویش بگفتم نه قول صاحب بزم

فضولی است مرانزد دوستان امشب

خبر دهید به داماد تا دهد انعام

نه صد تومان نه دویست بل هزار تومان امشب

اگر رضایت من خواهی پول نمی خواهم

بده برای تبرک اپار تومان امشب

به بزم جشن فرح بخش و دوستان علی (ع)

شده است (قاری) مداح درفشان امشب

امیدوارم تا یارشان خدا باشد

عطا کند پسر، بر این دو نوجوان امشب

دستور برای ازدواج در مجلس جشن عروسی

ای جوان-زن از پی رفع هوسرانی بگیر

لیک دستوری زمن ای مرد ایمانی بگیر

اولاکن خواستگاری دختر فامیل خویش

چونکه اخلاق و مراسم خوب میدانی بگیر

ثانیاً، کن خواستگاری دختر همسایه را

پس عنان از دست خواهشهای نفسانی بگیر

ثالثاً، گر دختر هالو به عالم طالبی

از برای تجر به جانا، بیابانی، بگیر

رابعاً، ای مرد دانشمند به فضل و کمال

دختر فهمیده گر خواهی تو طهرانی بگیر

دختر یزدی برایت خوب قلبان چاق کند

پسته خواهی خوری بسیار، دامغانی بگیر

آش فنوید اگر خواهی قمی کن اختیار

گر که قالی باف می خواهی تو، کاشانی بگیر

کته ماهی گر که می خواهی خوری در روز و شب

رشتی، یا مازندارنی را برو آنی بگیر

از زنان ساده لوح خواهی در قزوین بُود

گر که خواهی زن دانا همدانی بگیر

گر که می خواهی بگیری یک زن ز برو زرننگ

یا زسمنان یا زگرگان یا خراسانی بگیر

سبزه و شیرین زبان و بانمک خواهی اگر

دخت کرمانشاه و آبادان و شمرانی بگیر

دخت شیرازی، سر و پیری ترا حال آورد

با وفا خواهی اگر بشنو تو، کرمانی بگیر

گر که خواهی یک زن حاضر جواب و ناقلا

گر چه می ترسم بگویم روصفاهانی بگیر

گر چه تمیز و باهنر خواهی خیر دارت کنم

یا برو تبریز یا که دخت زنجانی بگیر

گر که خواهی یک زن بی درد سر، رو صیغه کن

لیگک چون آشیخها، او را به پنهانی بگیر

گر فناعت پیشه باشی چارزن عقدی بس است

ور طمع کاری به صیغه هر چه بتوانی بگیر

الغرض هر دختری را می نمائی انتخاب

همچو این مجلس برایش جشن اعیانی بگیر

شیر و کاکائو و شربت و شیرینی و بستنی

پرتغال شهسوار و سیب لبنانی بگیر

پس نگهدار از برای شام جمع دوستان

بهرشان آنگه چلو یا برگ سلطانی بگیر

گر که می خواهی نمائی دوستان را مستفیض

دعوت از آفان (قاری) در ثناخوانی بگیر

شاه داماد ار تومی خواهی دهی انعام ما

زانتیا و بنز برایم رُوز کمپانی بگیر

(سید محمد حسین مداح)

برای مجلس عروسی مذهبی

ز غم شه خاطر م آزاد امشب

شدم بس خرم و دلشاد امشب

بروی ما خداوند توانا

در توفیق را بگشاد امشب

در این جشن فرح بخش همایون

کنم اشعارخوش انشاد امشب

بگـ و صلوات بیدبر محمد
(صلی الله علیه و آله وسلم) صلوات

تجیّت بر شه ایجاد امشب

ولی عصر بر این جشن دینی

نگاه لطف وی افتاده امشب

ز جان گویند ای حضار مجلس

که این شادی مبارک باد امشب

کند وصلت دو فامیل گرامی

بنای مهر شد بنیاد امشب

برای افتخار شه داماد

بزن کف تا کنم بیداد امشب

برای افتخار نو عروسش

کف دیگر بزیند حاضران امشب

عزیز ما بقلبی پر ز ایمان

ز لطف حق شد داماد امشب

عروس با وقار و عصمت وی

قدم درخانه اش بنهاد امشب

ز جا بر خیز یکدم شاه داماد

که می باید کمی ایستاد امشب

بریزید، نقل شادی بر سر او

که تا داماد گردد شاه امشب

میان حجله چون گل، نو عروس است

بود داماد چون شمشاد امشب

چو ماه و مهر داماد و عروس است

چو انجم جمله افراد امشب

تمام اهل مجلس شاد و خندان

به عشق روی شه داماد امشب

اگر چه دستهای گل در اینجاست

ز گل بهتر بود داماد امشب

گفت محکم بزن تا می توانی

و گرنه میکشم فریاد امشب

کنون چائی و شربت نوش کن جا کن

که بزم سور خوش رخ داد امشب

ز شیرین تو بنما کام شیرین

پی خشنودی قنآد امشب

خیار و سیب و انگور و هلورا

بخور، هستی شما آزاد امشب

خورید امشب چلو برگ ای عزیزان

کنید از سوریان هم یاد امشب

ولی کن رحم بر خود گاه خوردن

که می ترسم شوی معتاد امشب

بگو (قاری) به شه داماد اکنون

تو مطلب هر چه باداباد، امشب

بده میلیون تومان انعام ما را

کند تا حق ترا داماد امشب

اگر موجود این مبلغ نباشد

بده بنز صد و هشتاد امشب

اگر اینهم نباشد ای برادر

بگو صلوات بی تعداد امشب

(سید محمد حسین مداح)

پیک شادی برای مجلس عروسی

کو کب بخت مگر سلسله جنبان شده است

که گه وصل شده هجر به پایان شده است

پیک شادی خبر آورد برایم دو شین

که پیا مجلس جشن ز عزیزان شده امشب

دارم امید که این جشن مبارک باشد

چون مزین همه در پرتو ایمان شده امشب

سنت دین محمد (صلی الله علیه وآله) بود این عقد و نکاح

خوب اجرا سنن ختم رسولان شده امشب

نصف ایمان به زناشوئی هر فرد بود

لازم این امر بهر شخص مسلمان شده است

روز جمعه است و اکنون عید محمد (صلی الله علیه وآله) باشد

گه صلوات به پیغمبرِ سبحان شده امشب

هر طرف می نگرم جمله یاران مسرور

لطف دادار کنون شامل یاران شده امشب

ساز و موسیقی و رقصه در اینجا نبود

زانکه داماد ز جان پیرو قرآن شده امشب

نقل شادی بفشانید بفرق داماد

وقت دلشادی این سرو خرامان شده امشب

نوعروس است به حجله چو مهی پرده نشین

که خود از عفت و عصمت گل نسوان شده است

بهر داماد و عروسش کف محکم بزیند

گاه وصلت به مه و مهر درخشان شده است

شد ز پیوند دو فامیل چنین جشن بیا

چه بجا منعقد این جشن بزرگان شده است

خواهی ار شادی شاهانه بینی به جهان

بین این بزم، به از محفل شاهان شده است

بس مؤدب بنشینید، شما ای حضار

عکسبرداری ازین جشن به کیوان شده است

بیشتر از همه داماد کند خوشحالی

بهر خود زانکه دگر صاحب سامان شده است

شب دامادی از صبح شهی کمتر نیست

وین سخن نقل ز مردان سخندان شده است

(سید محمد حسین مداح)

«تاج گل»

تاج گل، دسته گل، بسکه در این بزم بود

بنگر مجلس ما رشک گلستاده شده است

شاه داماد گرامی بود از گل بهتر

گل کجاهمچو رُخش خرم و خندان شده است

رونق و قدر دگر نیست به ماه و خورشید

بسکه این بزم فرح بخش چراغان شده است

روی هر میز دیس پر از شیرینی

میوه کن میل، که بسیار فراوان شده است

از چه بیکار (نشستید) شما مهمانان

هر که چیزی نخورد، بعد پشیمان شده است

نوش کن شربت و کاکائو شیر و شکر

خاصه چائی که چویاقوت به فنجان شده است

هان بمانید که تا شام همه میل کنید

بهرتان پخته چلومرغ و فنجان شده است

رحم بر خویش مکن میل نما هر چه که هست

مال مفت است و خوش آن شخص که مهمان شده است

(کلو اوشر برواولا تسرفوا)

«کف بزیند»

کف بزین بار درگک بهر جناب داماد

هر کسی کف نزند، سیر دل از آن شده است

یار داماد و عروس و همگی لطف خدا

گوی آمین که دگر شعر به پایان شده است

ای خدا قسمت کن، تا همه داماد شوند

گرچه از دست زنش هر که نالان شده است

گوش خود باز کن این لحظه جناب داماد

چون که خود(قاری) مداح ثناخوان شده است

کم زمیلیون تومان گر بدهی نستانم

گر دو میلیون بدهی حقم جبران شده است

پول نقدار نبود ده چک تضمین شده را

بانک بس ساخته در کشور ایران شده است

(سید محمد حسین مداح)

آخر متذکر می شویم بخود و به هم وطنان عزیز و غیرتمند ایران اسلامی که این مکتب گرانقدر شیعه پس از نقصان حضرت ختمی مرتبت تاکنون مورد تجاوز منافقان بوده و در استمرار راهشان کفار به کمکشان آمده و با برنامه ریزی میشل افلق از انگلستان که یهودی بود حزب وهابیت (القاعده) را در عربستان حزب بعث را در عراق و سوریه حزب بهائیت را در ایران و حزب طالبان را در افغانستان و آتاترک را در ترکیه پیاده کردند که هدفشان مبارزه و قلع و قمع مسلمانان، بخصوص شیعیان بوده و هست و بنام اسلام، مسلمین را در طول سیصد سال اخیر از لب تیغ گذرانده و در این اواخر با بمب گذاری در حرم مطهر حضرت رضا علیها سلام و قبور ائمه اطهار و عزارداران ایشان خود را نعوذبا... از پیامبر و ائمه اطهار بالاتر میدانند و قرآن را به رأی خود تفسیر می کنند و اگر قبور باید خراب شود چرا قبر امروعاص در مصر و عبدالقادر در بغداد و مولوی در قونیه و ... خراب نشده و نمی شود و این ژیزی جز عداوت و دشمنی با شیعه و ائمه اطهار نیست. زیر بار معصومین علیهم السلام که هیچ، زیر بار عقل و فهم و علم هم نمی روند آیا شیعه احترامی که برای ائمه بقیع قائل است کمتر از احترامی است که برای امام رضا (ع) یا کربلا یا کاظمین یا نجف و سامراست؟! البته که خیر و احترام شیعه به دستورات این بزرگان که در راستای خط حضرت ختمی مرتبت هستند فائند، نه چیز دیگر لذا اگر خود را شیعه جعفری می دانید، باید ضمن، عهد و پیمان و میثاق با این بزرگان در هر حرکتی و اقدامی از این بزرگان اطاعت کنیم. و در این راه از چشم و هم چشمی و رقابتهای کاذب و خلاف شرع و دروغ و خدعه و حيله که جای خود را با زرنگی و فعال بودن عوض کرده و نوعاً نامردی و نامردمی را با زرنگی اشتباه می کنیم صرف نظر کردو بجای آن راستی و دوستی و یک رنگی و صداقت و کمک به هم نوع ضعیفتر و دور از تشریفات، زندگی سالم داشته و حلال را هر چند، بی مقدار باشد بر حرام، هر چند زیاد و قابل توجه باشد ترجیح دهیم که این خط سیر، علاوه بر رستگاری خود و خانواده و جامعه اسلامی ایران باعث الگو پذیری کشورهای دیگر و هم کیشانمان خواهد شد و خود مقدمه است برای مسئله انتظار آخرین ذخیره هدایت بشریت در سطح گیتی، اگر مصمم به انجام امور بالا شده اید و درصدد اجرا، با توکل بخدا شدید، از هم اکنون خود را سرباز امام عصر بدانید و گوش بفرمان ایشان باشید که حرف ایشان با استدلال عقل و علم و قرآن حرف خداوند متعال است (نه حرف استعمارگران صهونیست که به هیچ دین و آئینی پای بند نیستند و فقط خودخواهی های خود را هدف دارند) انشا... برای تقویت اعتقادات و پیشرفت مقاصد عالی یاور همدیگر باشید.

وسلام علی من التبع الهدی

۱۴۲۷ هجری قمری

یازدهم ذیحجه مصادف

با ولادت امام هشتم علیه السلام



آیا می‌دونستید لذت مطالعه و درصد یادگیری با کتاب‌های چاپی بیشتره؟
کارنیل (محبوب‌ترین شبکه موفقیت ایران) بهترین کتاب‌های موفقیت فردی
رو برای همه ایرانیان تهیه کرده

از طریق لینک زیر به کتاب‌ها دسترسی خواهید داشت

www.karnil.com

با کارنیل موفقیت سادست، منتظر شما هستیم

 Karnil  Karnil.com

